

# زنان

سال نهم • تیر ۷۹ • ۷۲ صفحه • ۴۰۰ تومان

۶۵

• دریغ از یک

خسته نباشید!

گزارش نخستین صعود

برون مرزی

زنان کوهنورد ایران

• شهر ما، خانه ما

یا لانه موش‌ها؟

• جای پای مریخی‌ها

بر شنانه و نوسی‌ها

• فرانسیون زنان لازم نیامد!

• مسئله زنان در ایران

• شعر زنان معاصر

• تحلیلی از سروده‌های

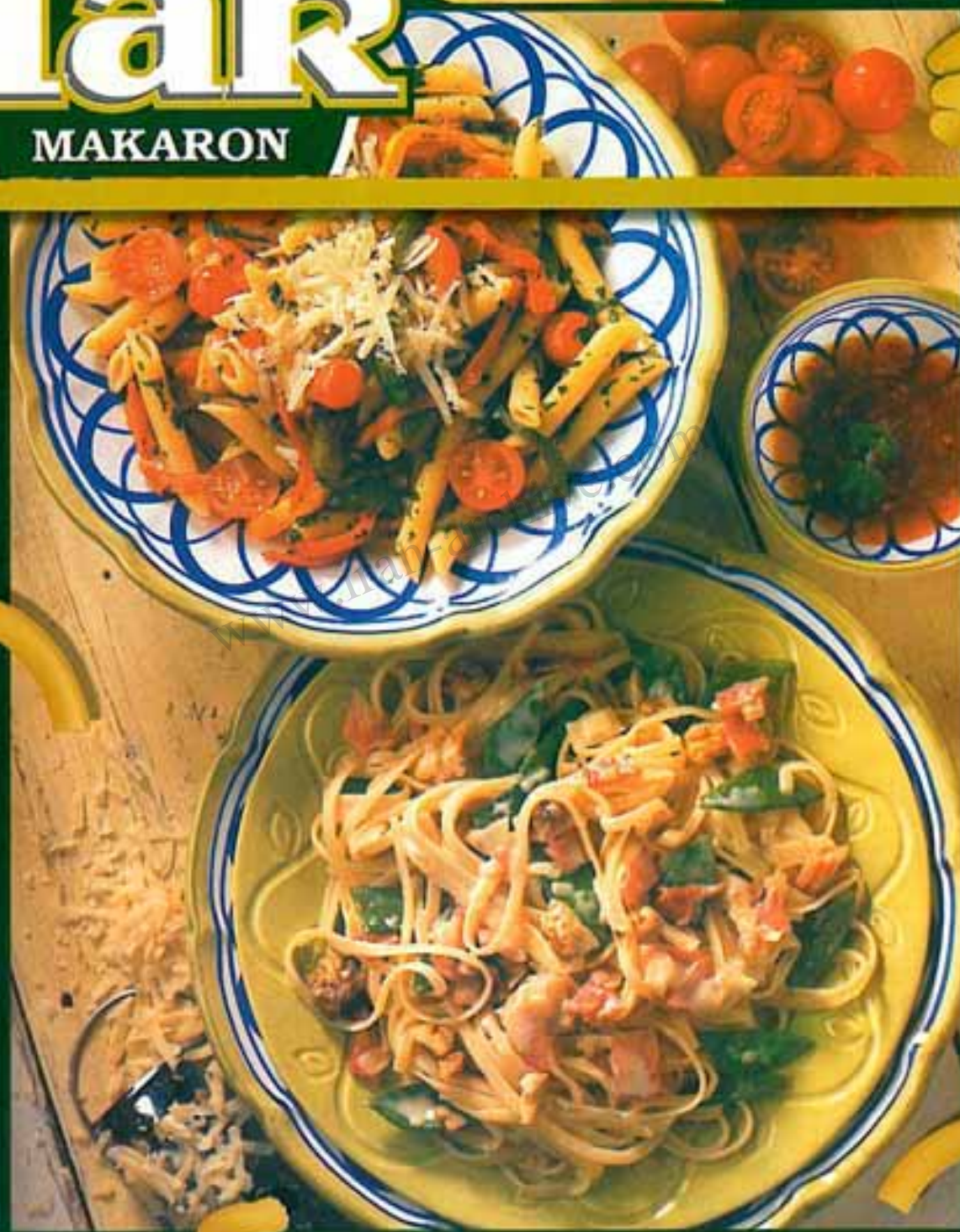
سینت مرصادقی

دخترها، پسرها و بازار داغ جراحی زیبایی بینی

Alone At The Top

# Tak

MAKARON



[www.TakMakaron.com](http://www.TakMakaron.com)

تک ماکارون ...  
اشکال مختلف برای سلیقه‌های مختلف

# Shandiz

Total Sunblock Cream  
For Sensitive Skin



کرم ضد آفتاب

## شانديز

SPF=28 مخصوص پوستهای حساس در مقابل نور آفتاب  
برای جلوگیری از اثرات زیان آور اشعه ماوراء بنفش آفتاب در پوست

### UVA-UVB-IR

مطابق با استانداردهای اروپایی

تهیه شده در لابراتوار ویبا - تهران تلفن دفتر مرکزی: ۹۲۲۵۳۲

تلفن مرکز بخش: ۶۷۹۵۶۶-۴-۶۴۹۶۷۰۴ و ۸۶-۶۷۰۶۴۸۵



S.A.M.G.R.A.P.H.I.C.S

(( نامی درخشان در صنعت کریستال جهان ))



# شرکت کارپویا

نماینده انحصاری:  
کریستالهای  
آر.سی.آر



۰۵۴۵۴-۲۷۰۷

چابهار مجتمع تجاری صالحیار غرفه ۷

۰۷۶۴۴۴-۲۲۴۳۸

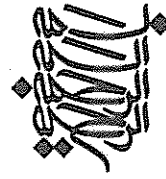
کیش بازار فرانسه غرفه ۱۲

۰۷۶۳۵۲-۴۰۶۹

میدان قشم فروشگاه مهرداد

قشم

# زنان



سال نهم شماره ۶۵ تیر ۱۳۷۹  
زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یکبار در ماه منتشر می‌شود

## از درون جامعه

- ۲ دختران، پسران و بازار داغ جراحی زیبایی بینی: نوشین طریقی  
۱۰ فراکسیون زنان لازم نیامد! زهرا ابراهیمی  
۱۲ دریغ از یک خسته‌نباشید! زهره خوش‌نمک  
۱۵ زنان، اولین برنامه نویسان کامپیوتر: لوئیس بایارد، ترجمه شیلا احمدی  
۱۸ می‌دانید چرا «صفحه مردان» شما خالی مانده؟: نیما اصفهانی

## هنر

- ۲۰ مسائل زنان را مجزا از زندگی خودم نمی‌بینم: ساناز بیان  
۲۱ این زن و شوهر در پشت و روی صحنه  
۲۳ جای پای مریخی‌ها بر شانه و نوسی‌ها: نغمه ثمینی  
۲۵ «اکسیپو ۲۰۰۰» و جلوه‌هایی از چهارباغ ایرانی! : مهرداد قاسمفر  
۲۶ پاسخی که هرگز داده نمی‌شود: صابره محمدکاشی  
۲۸ نگاهی به آنجلینا جولی و آخرین فیلم او: امید بنگدار  
۳۰ دليلة، مادر تکنولوژی تلفن همراه: ترجمه فرزاد فرید

## ادب

- ۳۲ شهر بازی (داستان): حنّان الشیخ، ترجمه مژده دقیقی  
۳۶ دریچه‌ای به آفتاب: کامیار عابدی  
۳۸ شعر: مهین خدیوی

## فرهنگ و اندیشه

- ۴۰ زنان پاکستان و تفسیرهای بی‌شمار از اسلام: آنتیا ام. ویس، ترجمه رزا افتخاری  
۴۴ مسئله زنان در ایران: علیرضا علوی تبار

## دانش زندگی

- ۴۶ شهر ما، خانه ما یا لانه موش‌ها؟! : الهام بقا  
۴۸ پرسیدن به جای گفتن!! : آندره تامپسون، ترجمه شروین شمالی

## چشم‌انداز

- ۵۲ کار در خارج از خانه: جونی زیگر، ترجمه زهره زاهدی  
۵۴ کتابخانه زنان: فهیمه خضرحیدری  
۵۶ نامه ماه / هرچه از دوست رسد...  
۶۰ خبر

## تصحیح و بوزش

در شماره پیشین مجله زنان در مطلب «قد در خدمت توسعه» که در صفحه ۱۲ چاپ شده بود نام پارچه‌هایی که بی‌بی‌روسول تولید می‌کرد «سمیرانی» آمده بود که «یمدانی» صحیح است.

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول:  
شهلا شرکت

همکاران:

- بخش ادب: مژده دقیقی  
• بخش از درون جامعه: نازنین شاه‌رکنی  
• بخش چشم‌انداز: پرستو دوکوهکی  
نوشین طریقی  
• بخش دانش زندگی: کتابیون افجه‌ای  
• بخش فرهنگ و اندیشه: رزا افتخاری  
• بخش هنر: الهام خاکسار  
• ویراستاران: لیلا صمدی  
سیما سودخواه

- طراح گرافیک: احمد قائمی‌مهدوی  
• طرح روی جلد: کوروش پارسائزاد  
• صندوق پستی: ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵  
• تلفن: ۸۸۴۰۶۷۸  
• فکس: ۸۸۴۰۶۷۹  
• شماره سریال بین‌المللی: ۴۰۵۴ - ۱۰۲۱

• مدیر تبلیغات و آگهی‌ها: نیلوفر اعتمادی

• تلفن آگهی‌ها: ۸۰۴۴۸۵۵

• فکس آگهی‌ها: ۸۰۵۲۵۱۷

• روابط عمومی و امور مشترکین: فاطمه امیریان

• حروفچین کامپیوتری: لیلا چنگیزی محمدی

• چاپ: چاپ گستر، تلفن: ۶۰۲۶۸۷۱

• چاپ رنگی: خاتم، تلفن: ۷۸۱۱۵۴۳

License Holder & Editorial Director:  
Shahla Sherkat

Zanan is a Persian - language journal  
published monthly.

Each issue contains articles and reports  
related to women's issues.

• «زنان» در زمینه فعالیت‌های هنری، آموزشی و  
خدماتی آگهی می‌پذیرد.

• «زنان» در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد  
است.

• مطالب فرستاده‌شده بازگردانده نمی‌شود.

• حقوق چاپ و انتشار، نقل مطالب، طرح‌ها و

عکس‌ها برای مجله «زنان» محفوظ است.

# دختران، پسران و

## بازار داغ جراحی زیبایی بینی

نوشین طریقی

۹۹ هنوز هم وقتی خانم بزرگ چهره جدیدی می‌بیند، با عینک ته‌استکانی‌اش به دماغ او خیره می‌شود. برعکس همه آدم‌هایی که وقتی با هم حرف می‌زنند، به چشم‌های هم نگاه می‌کنند، او به دماغ طرف چشم می‌دوزد؛ انگار که دارد با آن حرف می‌زند!

می‌گویند این قضیه از آنجا شروع شده که شب عروسی، تازه‌داماد به بینی قوزدار خانم بزرگ متلکی انداخته است تا مثلاً با او مزاح‌کند. اما این به مذاق عروس خانم خوش نیامد. این طوری بود که تا وقتی آقا عمرش را داد به شما، این موضوع را بهانه‌ای کرده بود تا گاهی اوقات کفر خانم بزرگ را بالا بیاورد.

این حساسیت به نوه‌های خانم بزرگ هم سرایت کرد ولی خوشبختانه آنها در دوره‌ای پا به عرصه وجود گذاشته‌اند که جراحی زیبایی بینی مشکلشان را حل کرده است. درست است که خانم بزرگ از این‌که نوه‌های عزیزش مشکل او را ندارند، خوشحال است اما همیشه زیر لب می‌گوید: «چه می‌شد اگر من هم کمی دیرتر به دنیا آمده بودم تا این ترقی نصیب من هم می‌شد؟» ۶۶

### توجه به زیبایی، همیشه و همه‌جا!

بحث و تبادل نظر درباره بینی افراد و جنبه‌های مختلف جراحی پلاستیک، به‌ویژه جراحی بینی، به مطب پزشکان متخصص این رشته محدود نمی‌شود. در بسیاری از مهمانی‌ها و مجالس، حتی در محیط‌های کار، بحث‌های حول و حوش زیبایی و ظاهر افراد بخشی از صحبت‌های زنان است.

سر تا پا سیاه پوشیده و کمی دورتر از صفی که در انتظار آمدن اتوبوس تشکیل شده، ایستاده است. سرش را بالا می‌گیرد و متوجه می‌شود که دو زن میانسال به همراه دختری نوجوان در گوش هم نجوا می‌کنند و گساه و بسی‌گاه در میان صحبت‌هایشان نیم‌نگاهی هم به او می‌اندازند.

سرش را به سمت دیگری از خیابان می‌چرخاند و روی پنجه‌های پایش بلند می‌شود که ببیند از انتهای خیابان سر و کله اتوبوس شرکت واحد پیدا می‌شود یا نه. هنوز سنگینی نگاه‌هایی را بر چهره‌اش حس می‌کند اما سعی می‌کند به روی خود نیاورد. بالاخره وقتی اتوبوس می‌آید و همه به‌زور خود را به درون آن می‌کشاند، در فاصله چند سانتی‌متری صورتش، نگاه کنجکاوانه یکی از آن دو زن را می‌بیند که با دقت زیاد در چهره‌اش به دنبال چیزی می‌گردد و پس از چند دقیقه می‌پرسد: «بیخشد، دماغتان را پیش کدام دکتر عمل کرده‌اید؟» بدین ترتیب سؤال و جواب‌ها شروع می‌شود. زنان و دختران دیگری

که من و مادرم از تغییر چهره او چه قدر تعجب کردیم و خاله‌ام چه قدر هیجان‌زده و خوشحال بود.

از آن روز به بعد هاله حساسیت زیادی به بینی‌اش پیدا کرده است و حتی بعضی روزها، برای ساعت‌های متوالی، جلو آینه می‌نشیند و دماغ ایده‌آلش را برای خود مجسم می‌کند. او در بحث‌های مربوط به بینی شرکت می‌کند و کارشناسانه نظر می‌دهد و حالا دیگر در یک نگاه به چهره فرد می‌فهمد دماغش را عمل کرده است یا نه! خودش می‌گوید: «در خانواده ما متأسفانه همه دماغ‌ها ایراد دارد، آن هم ایرادهای اساسی و جدی! بعضی افراد خانواده‌مان با عمل بینی چهره‌شان از این‌رو به آن رو می‌شود و از یک قیافه رو به پایین به قیافه رو به بالا می‌رسند. برای همین حساسیت روی این قضیه در فامیل ما زیاد است و هر جا که برویم، درباره چهره و به‌خصوص بینی افراد نظر می‌دهیم.»

این حساسیت مختص هاله و خانواده‌اش نیست. در مطب جراحان پلاستیک هر کسی که از در وارد می‌شود تمام چشم‌ها به صورت و بینی او دوخته می‌شود. زنی که به همراه همسر و فرزند هشت ساله‌اش به مطب دکتر آمده است، می‌گوید: «ورانداز کردن فردی که از در وارد می‌شود، بسیار طبیعی است. چون همه افرادی که اینجا هستند، آمده‌اند که ایرادهای دماغشان را رفع کنند و منطقی است که به این موضوع بپردازند.»

بعد از ظهر گرم یکی از روزهای آغازین تابستان است. پس از پیاده‌روی زیر آفتاب پرحرارت، ورود به مطب شیک و مدرن پزشک جراح پلاستیک با نسیم خنک و مطبوع کولر آن، که صورت تازه‌واردان را نوازش می‌دهد، بسیار لذت‌بخش است.

دور تا دور سالن انتظار صندلی‌های راحتی قهوه‌ای رنگی چیده شده است که ۱۵، ۱۶ نفر را در خود جا می‌دهند. روی یکی از دیوارها و نزدیک به میز خانم منشی، آینه قدی بزرگی نصب شده است.

در وسط سالن انتظار میزی قرار دارد که روی آن، آلایوم‌های عکس افراد، پیش از عمل جراحی و پس از آن، اشتیاقی منتظران حاضر در مطب را برای تورقش برمی‌انگیزد. عکس‌های این آلایوم‌ها گلچینی از بهترین نمونه‌های جراحی پزشک هستند، نه نمونه‌های ناکام آن.

منشی، زن نسبتاً جوانی است که بیش از هر چیز بینی باریک و سربالايش به چشم می‌آید. او اولین افرادی است که زیر تیغ جراحی پلاستیک پزشک رفته و بینی‌اش نمونه خوبی از عملکرد رئیس اوست. نه سال پیش که او بینی‌اش را عمل کرد، هنوز جراحی زیبایی مانند امروز متداول نبود. او عمل جراحی خود را اتفاق خوبی می‌داند و می‌گوید: «مدتی بود که منشی مطب دکتر شده بودم که به من پیشنهاد کرد دماغم را عمل کنم. من اصلاً به این فکر نبودم و تصمیم قبلی هم نگرفته بودم اما وقتی چند مورد از جراحی‌های زیبایی را دیدم، فکر کردم بد نیست من هم این عمل را انجام دهم. خوشبختانه همان طوری شد که می‌خواستم و حالا هم خیلی راضی هستم.»

اما هاله، دختر بیست ساله‌ای که برای انجام جراحی زیبایی به یکی از پزشکان متخصص مراجعه کرده، از مدت‌ها پیش تصمیم خود را گرفته است. او از وقتی که فهمید می‌توان روی بینی جراحی پلاستیک انجام داد، به فکر افتاد بینی‌اش را عمل کند: «اولین کسی که دیدم بینی‌اش را عمل کرده خاله‌ام بود، یازده سال پیش. وقتی گچ روی بینی‌اش را برمی‌داشتند، من هم آنجا بودم، نه سالم بود. خوب یادم است

نیز که در اتوبوس هستند به این صحبت‌ها علاقه نشان می‌دهند. در این میان دختری که کنار پنجره نشسته و به بیرون نگاه می‌کند، هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. او هم دماغش را عمل کرده اما هیچ علاقه‌ای ندارد کسی این موضوع را بفهمد و یا حتی اگر فهمید به رویش بیاورد و از او در این مورد سؤالی بکند. چون دوست دارد زیبایی بینی‌اش طبیعی باشد. به علاوه، او معتقد است افرادی که مصراانه در کوچه و خیابان و تاکسی و اتوبوس به دنبال شناسایی بینی‌های عمل‌شده هستند، بیش از آن‌که بخواهند پزشک جراح را بشناسند و آدرس و شماره تلفن او را بگیرند و از قیمت‌ها سر در بیاورند، قصد دارند بگویند ما فهمیدیم که دماغت عملی است، این زیبایی مصنوعی است و هیچ ارزشی ندارد. برای همین است که هر وقت از او می‌پرسند دماغش را عمل کرده یا نه، انگار پتکی روی سرش می‌خورد، و احساس بدی در او ایجاد می‌شود.

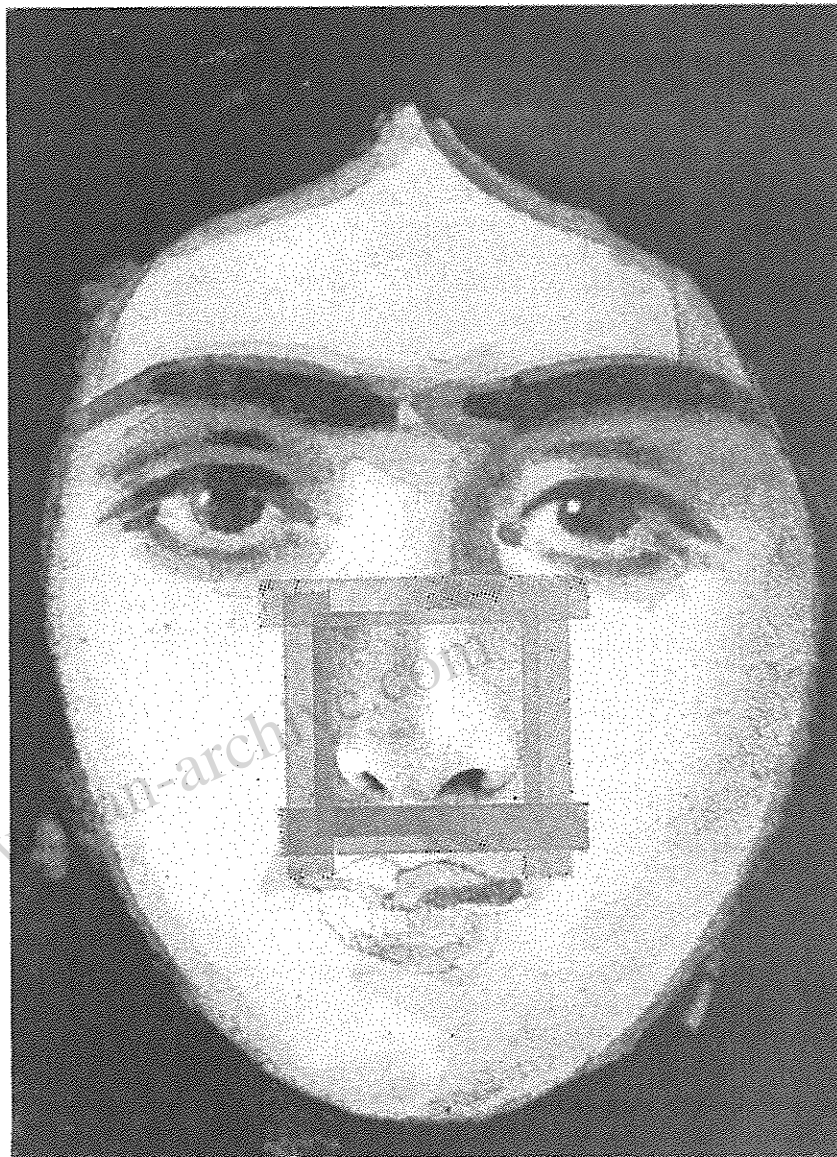
مهمان‌ها یکی پس از دیگری وارد می‌شوند. روبه‌روی آینه می‌ایستند و دستی به سر و موی خود می‌کشند.

در سالن عروسی، ظرف‌های میوه و شیرینی روی میزهای گردی با رومیزی‌های زرشکی‌رنگ بلند قرار دارند. دختر بلندقد و باریکی که پیراهن گل‌بهی‌رنگ پوشیده بیش از همه جلب توجه می‌کند. مهمان‌های خانواده عروس خوب می‌دانند که او سارا، خواهر کوچک‌تر عروس است. ولی فامیل داماد، به ویژه آنهایی که پیش از این خانواده عروس را زیارت نکرده‌اند، درست نمی‌دانند این دختر بلندبالا و باریک‌اندام چه نسبتی با عروس دارد.

بالاخره عروس وارد می‌شود و به سر میزهای مهمانان می‌رود و از تشریف‌فرمایی آنها در این روز خاطره‌انگیز تشکر می‌کند.

دور یکی از میزها، چند زن از بستگان داماد نشسته‌اند که، پس از جای گرفتن عروس در صندلی مخصوصش، برای مدتی به چهره او خیره می‌شوند. زن مسنی که بادبزن به دست دارد و از گرمای سالن می‌تالد، سرش را به سمت عروس می‌چرخاند و می‌گوید: «فکر می‌کنم عروس دماغش را عمل کرده است؛ خواهر این خانم، که حدوداً ده سال کوچک‌تر از اوست، ابروهایش را بالا می‌اندازد و می‌گوید: «نه بابا! فکر نمی‌کنم. عروس‌ها را آن‌قدر آرایش و گریم می‌کنند که این‌طور به نظر می‌رسد. تازه دماغ خواهرش هم همین‌طوری است.»

خانم مسن قیافه‌ی حق‌به‌جانبی می‌گیرد و می‌گوید: «خوب خواهرش هم بینی‌اش را عمل کرده. توی این دوره و زمانه بیشتر دخترها بینی‌شان را عمل می‌کنند. اصلاً جراحی زیبایی مد شده است.»

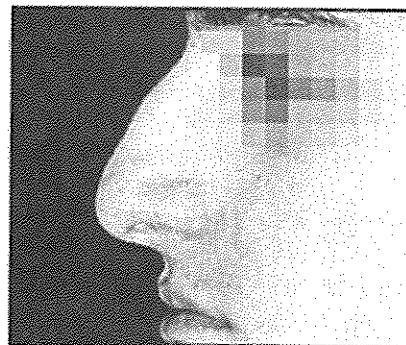


● در خانواده ما متأسفانه همه دماغ‌ها ایراد دارد، آن هم ایرادهای اساسی و جدی!

● وقتی روی بینی‌ام ضربه می‌زدند، تمام سلول‌های بدنم به ارتعاش درمی‌آمد. دلم می‌خواست به هر قیمتی شده خودم را از تختی که به آن چسبیده‌ام رها کنم.

● به هر دختری سلام می‌کردم، می‌گفت برو دماغت را جمع کن. بعد از چند مرتبه دیدم بنده‌های خدا راست می‌گویند.

● راستش را بخواهی دماغم را عمل نکرده‌ام ولی خوشم می‌آید چسب سفید روی دماغم بچسبانم. این جوری با کلاس تر است.



بوداییان هندی دانش جراحی بینی را به یونانیان آموختند و از آن پس، این علم در قاره اروپا روند تکاملی خود را طی کرد. از قرن شانزدهم تا نوزدهم، در ایتالیا، انگلستان، آلمان و فرانسه، جراحان متعددی به ترمیم و بازسازی بینی می‌پرداختند. در طول سال‌های جنگ جهانی و پس از آن نیز، پیشرفت‌هایی در جراحی بینی‌های آسیب‌دیدهٔ مصدومان جنگی حاصل شد.

در ایران، سابقهٔ انجام اعمال جراحی زیبایی به بیش از ۴۰ سال قبل برمی‌گردد. دکتر اصائل اولین عمل جراحی بینی را در ایران انجام داد و پس از آن جراحی‌های پلاستیک متعددی در کشور صورت گرفت. بدین ترتیب، در کنار برخی از خانواده‌های اشرافی و زنان هنرپیشه و خواننده، عدهٔ محدودی از مردم طبقهٔ متوسط نیز به انجام این عمل‌ها تمایل نشان می‌دادند. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و طی مدت هشت سالهٔ جنگ، در موارد بسیاری، جراحی پلاستیک با هدف ترمیم و بازسازی و رفع ضایعات ناشی از انفجار نارنجک، بمب و یا اصابت گلوله بر صورت رزمندگان مجروح جنگی انجام شد و در کنار آن تعدادی عمل جراحی زیبایی در

روش‌های جراحی هم به نسبت گذشته تغییر کرده است. هما به یاد می‌آورد که ۱۴ سال پیش دکتر روی عکس‌های نیم‌رخ، تمام‌رخ و سه‌رخ او دربارهٔ رفع ایرادهای بینی‌اش توضیح مختصری داده بود و او در ذهنش تصویری مبهم از بینی آینده‌اش تجسم کرده بود. عمل جراحی او با بی‌هوشی موضعی انجام شده بود؛ حدود ساعت ۱۱ صبح برای عمل به مطب دکتر رفتیم. دکتر به همراه یک زن پرستار جراحی می‌کرد. وسط اتاق یک تخت و کنار آن میزی بود که وسایل جراحی روی آن قرار داشت. چند آمپول بی‌حسی به صورتم زدند و بعد چشم‌هایم را بستند تا موقع عمل چیزی نبینم. دست‌هایم را هم به کنارهای تخت بستند. ملافه‌ای را که زیر دستم بود در مشت‌هایم گرفته بودم و فشار می‌دادم. زیر دستمالی که چشم‌هایم را با آن بسته بودند، مدام پلک می‌زدم. بعد از مدتی حس کردم قسمت‌هایی از پوست صورتم فشرده می‌شود و چیزی در آن فرو می‌رود و ضربه‌هایی نسبتاً آرام به پیشانی و بینی‌ام می‌خورد. فکر می‌کنم دکتر می‌خواست مطمئن شود که صورتم بی‌حس شده است. بعد پارچه‌ای روی صورتم انداختند که انگار وسط آن شکافته شده بود برای

## ● پسری با هیکل درشت و اندامی تنومند با چهره‌ای مردانه آمده بود و می‌خواست بینی‌اش مثل بینی مایکل جکسون بشود!

دختر ۲۵ ساله‌ای که لباس قرمزرنگی به تن دارد و موهایش را بالای سرش جمع کرده است، آینه‌اش را درمی‌آورد و خود را در آن تماشا می‌کند و سپس رو به مادرش می‌کند و می‌گوید: «من هم اگر دماغم را عمل کنم، خیلی خوب می‌شود.» مادر اخمی می‌کند و زیر لب می‌گوید: «دماغ به این خوبی اگسائی که دماغشان خیلی افتضاح است عمل می‌کنند. دماغ تو که ایرادی ندارد. تازه بعد که عمل کردی همه فکر می‌کنند لابد دماغت قبلاً خیلی وحشتناک بوده!»

خانم مسن هنوز دنبال دلیل برای اثبات ادعایش می‌گردد. طولی نمی‌کشد که با صدای بلند شروع به صحبت می‌کند ولی خیلی زود متوجه بلند بودن صدایش می‌شود و آرام ادامه می‌دهد: «مادر عروس را ببینید، چه قدر دماغش با دخترها فرق می‌کند. حالا دیگر مشخص است که دخترها دماغشان را عمل کرده‌اند.» بعد او به تشریح تفاوت‌های بینی مادر عروس و دخترهایش می‌پردازد.

### ◀ کی و از کجا شروع شد؟

سه هزار سال پیش از میلاد مسیح، ساکنان سرزمین هندوستان نمای بینی هر فرد را عامل مهمی در میزان احترام و اعتباری می‌دانستند که برای وی قائل می‌شدند. آنها بدشکلی، شکستگی و دیگر نقایص بینی افراد را عاملی برای تحقیر و استهزای آنان می‌دانستند. به همین دلیل بود که در انجام این عمل جراحی از اقوام و ملل دیگر پیشی گرفتند.

زیرزمین‌های منازل تعدادی از جراحان صورت می‌گرفت.

منیره می‌گوید: «۱۵ سال پیش برای جراحی بینی خواهرم به یک پزشک متخصص گوش و حلق و بینی که جراحی پلاستیک هم انجام می‌داد، مراجعه کردیم. منزل، مطب و اتاق عمل او در یکی از خانه‌های اعیانی طرف‌های جردن بود. از در که وارد شدیم حیاط بزرگی را دیدیم. در گوشه‌ای از حیاط سگی بسته بودند که با دیدن هر تازه‌واردی پارس می‌کرد. قسمت کوچکی از جلو ساختمان مطب دکتر بود و پشتش منزل دکتر. در جلویی ساختمان را که باز می‌کردیم وارد سالی می‌شدیم که میز خانم منشی و صندلی‌هایی برای نشستن بیماران قرار داشت. بعد در گوشهٔ سالن، پله‌هایی رو به پایین بود که به اتاق معاینهٔ دکتر می‌رسید. پشت اتاق معاینه هم، اتاق دیگری بود که با چراغ‌هایی که روشن کرده بودند، نورانی شده بود. عمل‌های جراحی در این اتاق انجام می‌شد.»

از روزی که دکتر اصائل اولین عمل جراحی بینی را در ایران انجام داد، هر روز بر تعداد داوطلبان جراحی بینی افزوده می‌شود. حالا دیگر تب زیبایی همه‌گیر شده و عدهٔ زیبایی در پی رفع عیوب ظاهری خود هستند.

این‌که دماغم بیرون باشد. بعد عمل جراحی رسماً شروع شد. چیز زیادی حس نمی‌کردم ولی وقتی ضربه‌هایی روی بینی‌ام می‌زدند، تمام بدنم شروع می‌کرد به لرزیدن. دلم می‌خواست به هر قیمتی شده خودم را از جایی که به آن چسبیده‌ام رها کنم ولی انگار فلج شده بودم و قدرت نفس کشیدن هم نداشتم. با هر ضربهٔ آن جسم چکش‌مانند روی صورتم، تمام سلول‌های بدنم به ارتعاش درمی‌آمد.»

پس از جراحی، هما هشت روز با چشم‌های به‌خون‌افتاده و صورت کبود و متورم به انتظار نشسته بود تا گچ روی بینی‌اش را بردارند. در این مدت او مشکلات تنفسی بسیاری داشت و درد زیادی را تحمل می‌کرد. به‌ویژه دو روز اول، که درون بینی‌اش تامپون گذاشته بودند تا از خونریزی داخل بینی جلوگیری شود. پس از آن نیز مدت‌ها خواب می‌دید که یک توپ والیبال یا بسکتبال به شدت به بینی‌اش می‌خورد و دماغش کج می‌شود. این کابوس‌ها هما را برای مدتی از خواب راحت محروم کرده بود.

دو سال بعد هم قسمتی از بخش استخوانی گوشهٔ بینی‌اش بالا آمد و مثل یک دانهٔ لیه روی بینی نمایان شد. برای همین هما یک بار دیگر حضور در اتاق عمل را تجربه کرد. این تجربه



بسیار دردناک تر بود؛ آقای دکتر چیزی شبیه به سوهان وارد بینی ام کرد و به استخوان بینی ام کشید. نمی دانم چه طور می شود آن را توصیف کرد، واقعاً دردناک بود.

امروزه پیش از انجام جراحی، با طراحی کامپیوتری و ماکت سازی، فرم بینی مشخص و تصمیم گیری راحت تر می شود. عمل های جراحی در بیمارستان های مجهز و با بی هوشی کامل انجام می شود. پس از جراحی نیز مشکلات تنفسی کمتر است و پس از یک هفته قالب بینی، که در بسیاری از موارد گچی نیست، برداشته می شود.

قالب های جدید که آکئوپلاست نام دارند در آب گرم نرم می شوند. این قالب ها برحی از عوارض قالب های گچی را ندارند. قالب های گچی ممکن است در پوست های چرب و حساس جوش ایجاد کنند، ولی قالب های جدید، که توری مانند هستند، منافذ پوست را مسدود نمی کنند و پس از عمل، قرمزی و جوش کمتری به وجود می آورند.

عده ای به احتمال استفاده از لیزر در درمان برخی نسوج نرم، و ضایعات پوستی و درونی بینی مانند پولیپ اشاره می کنند که پیشرفت در این رشته، جراحی بینی را که از جراحی های سخت به حساب می آید، آسان تر خواهد کرد.

به رغم تنوع و تکثر فراوان روش های جراحی، اصول جراحی بینی تقریباً ثابت است. در غالب جراحی ها، درون بینی برش هایی داده می شود و در قسمت هایی که برجستگی، قوز یا غضروف اضافه وجود دارد، از پهنای بلندی استخوان بریده می شود و با تغییر شکل بخشی از غضروف، طول، بلندی، یا پهنای بینی اصلاح می شود.

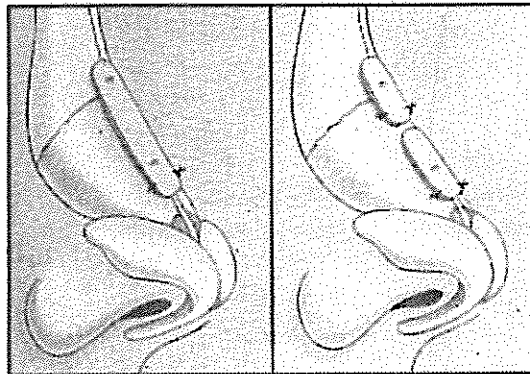
در برخی موارد که بینی ناقص است، از پروتزهایی از جنس سیلیکون استفاده می شود. این ماده علاوه بر بینی در جراحی های زیبایی و ترمیمی گونه و چانه و... نیز به کار می روند. در مواردی هم که بیمار دچار سانحه یا تصادف شده و یا قبلاً بینی اش را عمل کرده و از قسمت استخوانی اسکلت بینی بیش از حد لازم برداشته شده است، از غضروف های دیواره بینی و یا غضروف های گوش و گاه دنده ها برای ترمیم و جراحی استفاده می شود.

## ◀ دماغ گوشتی بهتر است یا استخوانی؟

برخی پزشکان به جراحی نوع خاصی از بینی (گوشتی یا استخوانی) مشهور شده اند و در بین مشتریان آنها اصطلاحاتی چون: «عمل های استخوانی یا گوشتی این دکتر حرف ندارد، شنیده می شود.

دکتر شرکت، جراح پلاستیک، در تشریح این

دو شکل بینی می گوید: «بینی گوشتی در اصطلاح جراحان به نوعی و فرمی از بینی گفته می شود که نسج ترشخی و چربی آن بیشتر باشد، البته در ساختمان بینی گوشت وجود ندارد و همان پوست بینی به علت وجود چربی چاق به نظر می آید. این ضخیمی پوست در مقایسه با بینی های استخوانی موفقیت عمل را تا حد قابل ملاحظه ای کاهش می دهد، چون پوست ضخیم نمی تواند روی خودش جمع شود و به سبب کلفتی و غیرقابل ارتجاع بودن به فرمی که دلخواه جراحان است در نمی آید. بنابراین در بسیاری از موارد در بینی های گوشتی باید خود پوست،



## ● عواملی چون قضاوت های والدین و در شکل گسترده قضاوت هایی که در فرهنگ جامعه در باب مشخصه های زیبایی شناسانه بدن وجود دارد، در تصویر ذهنی افراد از جسمشان مؤثر است.

بزنند و سؤال کنند با انکار شدیدش مواجه می شوند.

اما در سال های اخیر، دختران و پسران با صورت های متورم و کبود، و بینی پانسمان شده به کوچه و خیابان می آیند و سعی می کنند همه را متوجه جراحی زیبایی صورتشان بکنند، و به آن افتخار هم می کنند.

نیمه دو روز است که دماغش را عمل کرده. به صورتش که نگاه می کنی دو حلقه بنفش رنگ می بینی که دور تا دور چشمش را پوشانده، البته اگر چیزی به اسم چشم وجود داشته باشد، چون چشم هایش به صورت دو خط صاف درآمده و مانند چشم بادامی های مشرق زمین انگار دو طرف آنها را کوک زده اند. سر کوچه ایستاده، به موتور دوستش تکیه داده و بالا و پایین خیابان را نگاه می کند تا تعداد چشم هایی را که نظاره گر اوست بشمارد. هر قدر مادرش به او اصرار کرد که چند روزی را در خانه بماند و استراحت کند، قبول نکرد. مگر می شود آدمی که از ۲۴ ساعت شبانه روز بیش از ۱۲ ساعتش را بیرون است، بیش از دو روز در خانه دوام آورد. کسانی که از کنارش رد می شوند با تعجب به صورت بنفش رنگی که قسمت اعظم آن را پانسمان سفید رنگ پوشانده، نگاه می کنند. او هم متقابلاً سرش را به سمت نگاه هایی که به او دوخته شده اند، می گرداند. دوستش دستی به شانه اش می زند و می گوید: «خوب برای خودت کسی شده ای ها! تا دیروز هیچ کس نگاهت نمی کرد اما امروز کلی طرفدار پیدا کرده ای!»

نیمه دو طرف صورتش را با دست هایش می گیرد و می خندد. از وقتی دماغش را عمل کرده، همه به او توجه دارند و او از این بابت خیلی خوشحال است. در واقع نیمه فقط برای این که روی دخترهای محلشان را کم کند، تصمیم

سطح و ضخامتش اصلاح شوند.

دکتر شرکت اضافه می کند: «در مقایسه، بینی های استخوانی بینی هایی هستند که اسکلت استخوانی و یا غضروفی شان حجم زیادتری دارد و طول و عرض و ارتفاع آنها نامتناسب است که در این صورت باید اصلاح شوند. این نوع بینی در مقایسه با بینی گوشتی معمولاً بیشتر به فرم مورد نظر جراح درمی آید».

## ◀ جراحی بینی، ضرورت یا تفاخر؟

حالا دیگر تغییراتی هم در روحیه افرادی که این جراحی ها روی آنها انجام می شود رخ داده است. تا چند سال پیش افرادی که بینی شان را عمل می کردند تا برداشتن پانسمان و بهبود نسبی و رفع کبودی و تورم صورت از خانه بیرون نمی آمدند و خیلی سعی داشتند جراحی بینی شان را پنهان و انکار کنند تا زیبایی بینی جدید طبیعی و مادرزادی جلوه کند.

پنج سال پیش سمین تا ۱۵ روز پس از جراحی بینی اش از خانه بیرون نرفت و صبر کرد تا تمام آثار کبودی و تورم از صورتش محو شود. حتی به دوستانش گفته بود که به مسافرت رفته است و هر وقت هم کسی از فامیل نزدیک به خانه شان می آمد، او در اتاقش پنهان می شد و بیرون نمی آمد.

درست است که بعدها خیلی از دوستان و آشنایان فهمیدند که سمین بینی اش را عمل کرده، ولی او خوشحال بود که در مدت عمل کسی او را ندیده و نفهمیده است که کی و چگونه این عمل را انجام داده است. حالا سمین دوستان جدیدی هم پیدا کرده که هیچ کدام نمی دانند بینی او عمل شده است و حتی اگر حدس هم

گرفت که بینی‌اش را عمل کند: «به هر دختری سلام می‌کردم، می‌گفت برو دماغت را جمع کن. بعد از چند مرتبه، یکی دو بار خوب دماغم را توی آینه ورنانداز کردم، دیدم بنده‌های خدا راست می‌گویند».

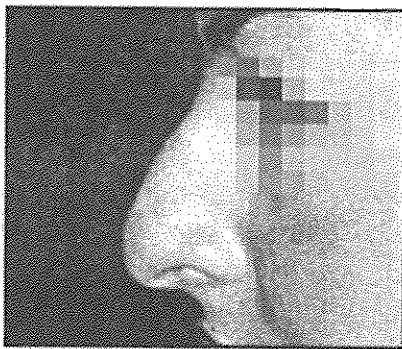
بدین ترتیب جراحی پلاستیک از مرزهای طبقاتی و جنسیتی در سطح جامعه گذشته و افرادی از گروه‌های مختلف طالب آن هستند. به‌ویژه در چند سال اخیر مردان و پسران جوان برای کسب ظاهر بهتر و رفع نواقص ظاهری خود به عرصه جراحی‌های زیبایی قدم گذاشته‌اند و قبح پرداختن به زیبایی برای آنها تا حدود زیادی از بین رفته است.

دکتر شرکت، خود، از اولین مردانی است که بینی‌اش را در خارج از کشور جراحی پلاستیک کرده است. به گفته وی، روی بینی‌اش سالکی بوده که پس از برداشتن آن جراحی پلاستیک روی بینی‌اش صورت گرفته است.

سمیرا ۱۷ سال دارد و ساعت ۹ صبح سرکوجه‌شان ایستاده است تا سرویس بیاید دنبالش و به کلاس زبان برود. قرار است گچ بینی‌اش را فردا بردارند. این‌که کسی بفهمد او دماغش را عمل کرده یا نه اصلاً برایش مهم نیست. به علاوه او کلاس می‌رود و نمی‌تواند به‌خاطر این‌که دیگران او را با این شکل و شمایل نبینند، خود را در خانه محبوس کند و از کار و زندگی‌اش بماند: «هر کسی از قیافه من خوشش می‌آید، بیاید، اگر هم کسی خوشش نمی‌آید اصلاً برایش مهم نیست. تازه خیلی از هم‌سن و سال‌هایم به من حسودی می‌کنند چون ما آن‌قدر مرفه هستیم که همین که من اراده کردم دماغم را عمل کنم، این تصمیم اجرا شد و هیچ‌کس بالای حرفم حرف نزد. چهره من هم که تا ابد این‌جوری نمی‌ماند، فوقش تا یک ماه دیگر. بعد از آن دماغم و صورتم عین ماه می‌شود. یک ماه زشتی به یک عمر زیبایی می‌آورد».

مریم برای دومین بار است به پزشک مراجعه می‌کند، یک سال پیش بینی‌اش را جراحی کرده و خیلی طبیعی شده ولی این موضوع آزارش می‌دهد. هر چه خانم منشی و آقای دکتر به او می‌گویند که دماغش طبیعی و زیباست و به ترکیب صورتش می‌آید، او قبول نمی‌کند: «من دماغم را عمل نکرده‌ام که طبیعی باشد. اگر قرار بود طبیعی باشد که می‌گذاشتم همان‌طور طبیعی و دست‌نخورده بماند... من می‌خواهم کاملاً مشخص باشد که بینی‌ام را جراحی کرده‌ام. وقتی ۷۰۰ هزار تومان پول داده‌ام، باید معلوم شود. اصلاً همین حرف که بینی‌ات را طبیعی درآورده‌اند، عصبی‌ام می‌کند. می‌خواهم دماغم عروسکی و خیلی سربالا باشد».

مریم می‌خواهد بینی‌اش طوری باشد که همه در نگاه اول و با یک نظر مطمئن شوند که او



### این همه استقبال چرا؟

مسئله به زیباتر کردن چهره، رفع نواقص ظاهری مادرزادی یا نواقص ناشی از حوادث و تصادفات، عفونت‌ها و برخی بیماری‌ها مانند تومورهای استخوانی و سرطان، و رفع اشکالات تنفسی از مهم‌ترین عواملی است که سبب می‌شود افراد تصمیم به عمل جراحی زیبایی بینی (رینوپلاستی) بگیرند.

برخی از متخصصان علم چهره‌شناسی به این نکته اشاره می‌کنند که وقتی اندازه و شکل بینی در مجموعه اعضای صورت مطلوب نباشد به‌طور ناخودآگاه به سایر اعضا توجه نمی‌شود و زیبایی‌های آنها به چشم نمی‌آید. بدین ترتیب متناسب کردن اندازه بینی، قسمت عمده‌ای از عیوب چهره را رفع و زیبایی‌های نقاط دیگر صورت را نمایان‌تر می‌کند.

مادری که از حالا به فکر عمل جراحی بینی دختر ۱۶ ساله‌اش است و درباره این موضوع با افراد مختلف مشورت می‌کند، معتقد است: «وقتی فردی می‌تواند از نظر ظاهری بهتر شود، چرا نباید بشود؟» به نظر او، این شاید بهترین دلیل برای هر گونه جراحی زیبایی باشد چون به رضایت نسبی افراد از ظاهرشان منجر می‌شود.

به گفته جراحان پلاستیک، تمام کسانی که به آنها مراجعه می‌کنند ایرادهای جدی و اساسی در چهره خود ندارند اما همه از آن ناراضی‌اند. عده‌ای از آنها به همین دلیل اعتمادبه‌نفسشان را از دست داده‌اند و در برقراری ارتباط با دیگران دچار مشکل هستند و اغلب گوشه‌گیر و منزوی‌اند.

زهره، دختر ۱۸ ساله‌ای که چشمان گرد سیاه و ظاهری آراسته دارد، نمونه‌ای از این افراد است که هنگام صحبت کردن با سایرین، حتی نزدیک‌ترین اعضای خانواده، نمی‌تواند سرش را کاملاً بالا بگیرد. تصویر بدی که او از خود در ذهنش ساخته، باعث شده است مدام در آینه به دنبال عیب و ایرادهای ظاهرش بگردد. او فکر می‌کند هیچ نکته مثبتی در چهره‌اش پیدا نمی‌شود و وقتی هم اطرافیان از او تعریف می‌کنند، یا دارند مسخره‌اش می‌کنند و یا می‌خواهند از روی دلسوزی به او امیدواری دهند. او می‌گوید: «با این‌که می‌دانم تغییر

بینی‌اش را جراحی پلاستیک کرده است. با اصرار مریم و با اعلام این‌که حاضر است هزینه جراحی دوباره را تمام و کمال بپردازد، پزشک جراح با خشنودی می‌پذیرد که دوباره بینی‌اش را عمل کند، و برای اطمینان بیشتر از این‌که خدای‌نکرده در طول عمل مشکلی ایجاد نشود، برای دومین بار فهرستی از آزمایش‌ها و اقداماتی که باید پیش از هر عمل جراحی انجام شود به دستش می‌دهد. معمولاً سابقه انعقاد خون در فرد بیمار و خانواده‌اش بررسی می‌شود و آزمایش کامل خون و عکسبرداری از سینوس‌های صورت و بینی و در مواردی که سن بیمار بالا باشد، آزمایش قند و خون و اوره بر حسب ضرورت انجام می‌شود.

کار به جایی رسیده که بعضی‌ها، بدون آن‌که بینی‌شان را جراحی کرده باشند، روی بینی‌شان چسب می‌زنند تا افتخار عمل جراحی زیبایی نصیب آنها بشود.

ماندانا و دوستش کلاسور به دست منتظرند تا سوار تاکسی شوند. کمتر کسی است که از کنارشان رد شود و به آنها نگاه نکند. بیشتر پسرها و مردهای جوان هم لبخندی می‌زنند و متلکی می‌اندازند و همین‌که کمی دور می‌شوند، آن دو به هم نگاه می‌کنند و می‌خندند. روی صورت ماندانا چسب‌های سفید رنگی قرار دارد که کمی نامرتب و در اندازه‌های نابرابر چسبانده شده است. چسب‌های قسمت بالایی بینی شل‌تر زده شده و گوشه یکی از چسب‌ها با هر خنده ماندانا باز می‌شود. برای همین است که او، هنگام خندیدن، پیش از آن‌که ردیف دندان‌های سفیدش را نشان دهد، دستش را روی چسب‌های دو طرف بینی‌اش می‌گذارد و گوشه‌های چسب‌ها را فشار می‌دهد. در صورتش نه تنها نشانی از تورم و کیبودی نیست، بلکه چشم‌ها، لب‌ها و پوستش به‌دقت آرایش شده است. وقتی از او می‌پرسم کی دماغش را عمل کرده، می‌گوید: «راستش را بخوای دماغم را عمل نکرده‌ام ولی خوشم می‌آید چسب سفید روی دماغم بچسبانم، درست مثل دخترهایی که عمل کرده‌اند، این‌جوری باکلاس‌تر است. تازه این‌جوری خوشگل‌تر هم می‌شوم چون چسب‌ها بینی آدم را جمع‌تر می‌کنند».

چندانی نمی‌کنم اما به هر حال می‌توانم امیدوار باشم که از وضعیت بدتر به وضعیت بد برسیم. همین کافی است.

دکتر بخشی پور، روان‌پزشک، در این مورد می‌گوید: «هر فردی تصویری از جسم خود در ذهنش می‌سازد. افراد علاقه‌مند به انجام عمل جراحی زیبایی از این تصویر ناراضی هستند. آنها خود را تغییر می‌دهند تا به آن تصویر ایده‌آل جامعه یا خانواده نزدیک شوند. بنابراین عواملی چون قضاوت‌های والدین و در شکل‌گسترده قضاوت‌هایی که در فرهنگ جامعه در باب مشخصه‌های زیبایی‌شناسانه جسم وجود دارد، در این مورد مؤثرند. این اطلاعات معمولاً زمانی انتقال داده می‌شود که قدرت ارزیابی و بررسی هوشیارانه و آگاهانه آن وجود نداشته باشد. به همین دلیل برخی به‌طور ناآگاهانه از تصویر خود راضی نیستند و احساس می‌کنند چیز ناجوری در آنها وجود دارد که باید تغییر داده شود.

یافته‌های جدید روان‌شناسان نیز نشان می‌دهد که پردازش اطلاعات درباره تصویر افراد در نیمکره راست مغز آنها صورت می‌گیرد. از طرفی نیمکره راست نیمکره کلامی نیست و تا حدودی ناهشیار است. پس می‌توان گفت فقط با در اختیار گذاشتن اطلاعات کلامی نمی‌توان نگرش افراد را نسبت به جسمشان تغییر داد.

از او می‌پرسیم: «شیوع این پدیده از نظر روان‌شناسی چگونه ارزیابی می‌شود؟» می‌گوید: «شیوع این پدیده صرفاً دلایل روان‌شناختی ندارد بلکه تا حدود زیادی جامعه‌شناختی است و به فرهنگ و ارزش‌های هر دوره بستگی دارد. مثلاً در دوره‌ای می‌بینیم که جسم و ارزش‌های مربوط به آن کم‌رنگ می‌شود و حتی ممکن است فرد دست به کارهایی بزند که به جسم و تناسب و زیبایی آن آسیب وارد شود. اما مثلاً امروز در جامعه ما افراد به زیبایی خود توجه دارند. با همه‌گیر شدن این فرهنگ، در سطح روان‌شناسی هم عوامل دیگری فعال می‌شود. مثلاً این‌که بچه از وقتی چشم باز می‌کند، می‌بیند که در خانواده معیار قضاوت قیافه آدم‌هاست.

می‌پرسیم: «آیا می‌توان منکر این مسئله شد که افراد به‌طور ذاتی و درونی تمایل دارند ظاهر و قیافه بهتری داشته باشند؟» می‌گوید: «نه، اما معیار ظاهر و قیافه بهتر را جامعه و فرهنگ تعیین می‌کند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت فرهنگ عامه، طی فرآیند جامعه‌پذیری، استانداردهای ارزشگذاری را تعریف می‌کند. اشخاص هم این استانداردها را می‌پذیرند و در آنها انگیزه‌ای به وجود می‌آید که خود را مطابق این استانداردها تغییر دهند. رواج پدیده‌ای به نام جراحی پلاستیک، در معنای عام آن، گرایش و توجه مردم جامعه را به مقوله زیبایی نشان می‌دهد زیرا اگر تقاضایی در این مورد نباشد، عرضه‌ای هم نخواهد بود.»

## ● شیوع پدیده جراحی پلاستیک تا حدود زیادی جامعه‌شناختی است و به فرهنگ و ارزش‌های هر دوره بستگی دارد.

به کار شدیم. چون اگر قرار است کاری انجام شود، بهتر است که زودتر انجام شود. به هر حال تشخیص با دکتر است که بینی عمل بشود یا نه! دکتر شرکت می‌گوید: «برای این‌که رشد بینی بعد از عمل کم نشود یا بینی کوچک نماند، بیمار باید از سن خاصی گذشته باشد. در دخترها از ۱۶ سالگی به بالا و در پسرها از ۱۸ سالگی به بالا استخوان‌های سر و صورت دیگر رشد نمی‌کنند.»

گلنوش یک چهره طراحی‌شده کامپیوتری در دست دارد. نامزدش که قرار است به زودی با او ازدواج کند، دانشجوی رشته کامپیوتر است و عکس گلنوش را به یکی از برنامه‌های کامپیوتری داده است تا به دلخواه خود تغییراتی در چهره او بدهد. در این تصویر، یک عکس نیم‌رخ و یک عکس تمام‌رخ از چهره تغییر یافته گلنوش دیده می‌شود.

گلنوش موهایی خرمایی‌رنگ، پوستی گندمی و چشمانی سیاه دارد. روی بینی‌اش قوز کوچکی دارد و نوک دماغش هم کمی روبرو به پایین است. در تصویر تغییر یافته‌ای که نامزدش طراحی کرده است، دختری با موهای شرابی، چشمان آبی و بینی صاف و سربالا دیده می‌شود که با کمی دقت معلوم می‌شود همان گلنوش است. او می‌گوید: «رنگ کردن مو و گذاشتن لنز آبی که کاری ندارد، فقط می‌ماند عمل کردن دماغم، آن هم این‌جوری، درست مثل این عکس!»

دکتر شرکت می‌گوید: «بیشتر افرادی که برای جراحی زیبایی مراجعه می‌کنند دختران و زنان جوان هستند. حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد مراجعان را هم مردان تشکیل می‌دهند. تعداد کمی از آنها خانم‌های مسنی هستند که سال‌های سال است به فکر جراحی بینی هستند و اخیراً تصمیم به انجام آن گرفته‌اند. ۲۰ تا ۲۵ درصد هم برای جراحی ترمیمی مراجعه می‌کنند.»

### ◀ قبل از عمل، بعد از عمل

یک هفته از عمل جراحی تینا می‌گذرد و حالا برای برداشتن قالب بینی‌اش به مطب آمده است. او نمی‌تواند سر جایش بنشیند و مدام طول و عرض مطب را طی می‌کند. تینا هم مانند بسیاری دیگر، تا برداشتن قالب بینی و مشاهده نتیجه، اضطراب زیادی دارد.

دکتر فتاحی، جراح پلاستیک، می‌گوید: «تا حدود دو سه روز پس از عمل، حالت افسردگی و

در مطب پزشکان جراح پلاستیک، عده‌ای که بینی‌شان را عمل کرده‌اند و برای برداشتن قالب یا تعویض پانسمان بینی و یا گذاشتن چسب روی آن آمده‌اند نمونه‌های قابل دسترس و خوبی برای قضاوت سایرین هستند.

سحر، دختری ۱۷ ساله و دانش‌آموز سال سوم دبیرستان، دو ماه است که بینی‌اش را عمل کرده و از نتیجه آن نسبتاً راضی است. او دو سه روز است در داخل بینی‌اش نخ کشیده که از بقایای بخیه داخل بینی است و برای برداشتن آن همراه مادرش به مطب آمده است. درباره شرایط و نحوه عمل، مراقبت‌های پس از جراحی و ... از مادر سحر سؤال می‌کنم: «شما برای این عمل جراحی هزینه مالی زیادی پرداخت کرده‌اید. علاوه بر آن، دخترتان پس از جراحی از نظر جسمی و روحی در فشار بود. چرا این هزینه‌ها را پرداخته‌اید؟» می‌گوید: «خوب، معلوم است برای این‌که قیافه دخترم بهتر شود و تا آخر عمر، هم خودش از دیدن چهره‌اش لذت ببرد و هم دیگران. البته منظورم این نیست که پیش از این از دیدن چهره‌اش در عذاب بودیم و حالا قرار است لذت ببریم. من مادرش هستم و در احساسم نسبت به بچه‌ام تغییری به وجود نیامده اما به هر حال می‌دیدم که ایرادهایی دارد و حالا که این ایرادها برطرف شده، خوشحالم. صادقانه بگویم تغییر چهره افراد در آینده آنها تأثیر دارد و فرصت‌های شغلی و ازدواجی متفاوتی برای آنها فراهم می‌کند. شاید خیلی از افرادی که اینجا آمده‌اند منکر این موضوع شوند و ادعا کنند که برای رضایت خودشان تصمیم گرفته‌اند دماغشان را عمل کنند اما بدون تردید آنها هم به قضاوت اطرافیان درباره چهره‌شان اهمیت می‌دهند. اصلاً یکی از ویژگی‌های ما ایرانیان این است که در برخورد اول با افراد غریبه خیلی به ظاهرشان توجه می‌کنیم و با تجزیه و تحلیل قیافه و طرز لباس پوشیدن آنها درباره شخصیتشان قضاوت می‌کنیم. به همین دلیل اشخاصی که چهره و ظاهر آراسته‌تری دارند، تأثیر بهتری روی ما می‌گذارند.» در پاسخ به این سؤال که: «شنیده‌ام تا ۱۸ سال افراد تمام نشود، نمی‌توانند جراحی کنند؟» سرش را تکان می‌دهد و پس از مکث می‌گوید: «بله، ما هم شنیده بودیم. اما چون چند نفر از دوستان سحر در دبیرستان دماغشان را عمل کردند، پیش دکتر آمدیم و او پس از معاینه دخترم گفت که می‌تواند دماغش را عمل کند چون دوران رشدش تمام شده و از این به بعد دماغش تغییری نمی‌کند. ما هم بلافاصله دست

بی‌قراری در افراد شایع است به طوری که به عده‌ای توصیه می‌شود به مدت یک هفته هر روز یک قرص آرام‌بخش بخورند.

تینا و منشی پزشکی به اتاقی می‌روند که در آنجا یک تخت‌خواب قرار دارد و روی میز کنار تخت، روی پارچه سفیدی، قیچی و چند وسیله جراحی به چشم می‌خورد. تینا روی تخت‌خواب دراز می‌کشد و چشم‌هایش را می‌بندد اما از شدت هیجان نفس‌نفس می‌زند. خواهر تینا هم در اتاق حضور دارد و انگشتان دست‌هایش را به هم می‌فشارد. خانم منشی با قیچی و یک میله باریک فلزی قالب بینی را به آرامی برمی‌دارد. پس از برداشتن قالب، تینا به سرعت از روی تخت پایین می‌جهد و خود را به آینه روی دیوار اتاق می‌رساند و چند لحظه‌ای مات و میبهوش از زوایای مختلف به بینی‌اش نگاه می‌کند و سپس به سمت خواهرش برمی‌گردد. او که تا چند دقیقه پیش نگران و مضطرب بود، حالا شادی و رضایت در چشمانش موج می‌زند. با صدایی تودماغی از خواهرش می‌پرسد: «چه طور است؟» خواهر تینا و همه حاضران در مطب با تحسین به چهره‌اش نگاه می‌کنند و به او تبریک می‌گویند. تا اینجا قسمت مهم کار انجام شده و نه همه آن. بیشتر پزشکان بهبودی کامل و حصول نتیجه مطلوب را تا حدود زیادی منوط به مراقبت‌های پس از عمل و صبر و حوصله و همکاری بیماران می‌دانند.

دکتر فتاحی می‌گوید: «معمولاً پس از یک هفته قالب بینی برداشته می‌شود. در این مرحله بینی حالت بالارفته دارد، متورم است و چاق به نظر می‌رسد، کمی هم تغییر رنگ می‌دهد. تا مدتی نوک بینی و لب بالایی کم‌حس است. به علاوه تورم مخاط داخل بینی مقداری گرفتگی ایجاد می‌کند که به تدریج رفع می‌شود. بدین ترتیب پس از گذشت شش ماه تا یک سال وضعیت ایده‌آل حاصل می‌شود. در این مدت بیمار باید مراقبت‌های پس از عمل را با دقت انجام دهد و به دستورهای پزشک خود عمل کند.»

دکتر شرکت می‌گوید: «بیماران تا مدتی بعد از عمل جراحی باید از انجام دادن فعالیت‌های شدید خودداری کنند. خوردن کمپوت آناناس و همچنین استراحت نسبی برای رفع تورم مفید است. بیماران عینکی باید تا مدتی از عینک‌های سنگین استفاده نکنند و عینک‌های سبک به کار ببرند. برخلاف تصور عموم، بالاگرفتن سر پس از انجام عمل هیچ تأثیری در فرم بینی ندارد و با پایین گرفتن آن بینی شکل خود را از دست نمی‌دهد و افت نمی‌کند.»

شراره، که سه سال از عمل جراحی بینی‌اش می‌گذرد، می‌گوید: «روز اولی که قالب را برمی‌دارند، فرم دماغ مشخص می‌شود. این حرف‌ها فقط برای امیدواری و دلخوشی آدم‌هایی است که از دماغ جدیدشان ناراضی‌اند و فکر

می‌کنند به مرور زمان بهتر می‌شود. ولی من از روز اول تا به امروز، هیچ تغییری در فرم و اندازه دماغم حس نکرده‌ام.»

چند سال است که لیلا بینی‌اش را عمل کرده است. او همیشه سرماخورده به نظر می‌رسد چون با صدای گرفته و تودماغی صحبت می‌کند و اغلب دستمالی به دست دارد. البته خودش می‌داند که سرما نخورده است و از بینی‌اش ترشحاتی خارج نمی‌شود تا با دستمال تمیز کند. دکتر شرکت در مورد تغییر صدا پس از جراحی می‌گوید: «اگر جراح در اصلاح و ترمیم بینی توجه کافی بکند، صدای بیمار فقط در یکی دو ماه اول تغییر خواهد کرد. البته در مواردی که استخوان بینی بیش از حد تراشیده یا ضعیف شود یا بیمار سابقه حساسیت یا سینوزیت داشته باشد و در حین عمل مرتفع نشود، امکان تغییر صدا هست.»

### رومی دیگر سکه

همه افرادی که تصمیم می‌گیرند بینی خود را جراحی کنند اقبال خوبی ندارند و از نتیجه جراحی راضی نیستند. بنابراین اگرچه اطلاع از کارنامه جراحان پلاستیک و تعدد و کثرت مراجعه‌کنندگان و میزان رضایت آنها برای انتخاب پزشک لازم است اما کافی نیست. البته پزشکان معتقدند قسمت اعظم ناراضیان افرادی هستند که با در دست داشتن عکس هنرپیشه و یا خواننده‌ای، بینی ایده‌آل خود را بینی‌ای می‌دانند که از نظر حجم، اندازه و فرم بیشترین شباهت را با مدل نمونه داشته باشد. یکی از پزشکان در توصیف این افراد می‌گوید: «موارد جالبی وجود دارد که فرد با وجود این‌که هیچ‌یک از اجزای صورتش شباهتی با مدل انتخابی ندارد ولی مصر است که بینی‌اش عیناً مثل مدل شود؛ مثلاً یادم می‌آید پسری با هیکل درشت و اندامی تنومند با چهره‌ای مردانه آمده بود و می‌خواست بینی‌اش مثل بینی مایکل جکسون بشود.»

جراحان پلاستیک می‌گویند که هیچ جراحی نمی‌تواند تضمین کند که بینی افراد را به فرم ایده‌آل و دلخواهشان درآورد زیرا فرم اسکلت بینی، چانه، لب‌ها، پیشانی، و ضخامت پوست افراد در حصول نتیجه مورد نظر مؤثر است. به علاوه رفع نواقص بینی‌هایی که در اثر ورزش‌های ضربه‌زننده و تصادفات تغییر شکل یافته‌اند، مشکل‌تر است و در بسیاری از موارد به عمل‌های مجدد نیاز است. گاهی لازم است روی پیشانی و چانه بیمار هم عمل جراحی انجام شود.

مقایسه مواردی از این دست با مورد زیر خالی از لطف نیست. می‌گویند بدل سوفیا لورن، هنرپیشه معروف ایتالیایی، که بسیار شبیه او بود و در بسیاری از مراسم و ملاقات‌ها به جای وی شرکت می‌کرد، از این‌که همه او را با چهره

شخص دیگری می‌شناختند و هویت واقعی خود را نداشت، ناراحت بود. به همین دلیل به پزشک جراح پلاستیک مراجعه کرد تا با جراحی بینی‌اش چهره وی را از چهره سوفیا لورن - که چه بسا بسیاری از زنان و دختران آن زمان آرزو داشتند شبیهش باشند - متمایز کند.

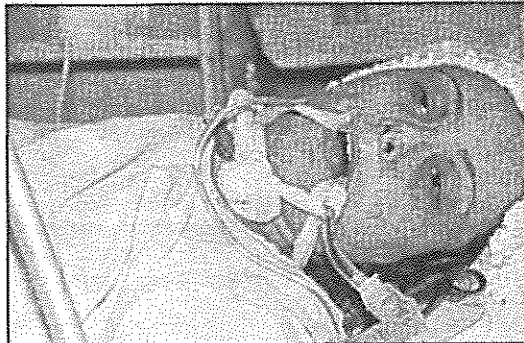
در ۱۵ سال اخیر تغییرات فاحشی در هزینه‌های جراحی زیبایی رخ داده است. به طوری که از ۲۰ هزار تومان به ۵۰۰ هزار تومان و در مواردی به ۲ میلیون تومان رسیده است. بدین ترتیب در بازار نرخ جراحی پلاستیک، هر پزشکی نرخ خود را دارد. یکی از پزشکان معتقد است که تعیین هزینه بالاتر برای عمل جراحی بر قدر و منزلت پزشک متخصص و اعتبار علمی او می‌افزاید.

شرکت‌های بیمه، با بیان این مطلب که جراحی‌های زیبایی شامل بیمه نمی‌شود، از پرداخت هرگونه هزینه‌ای برای این جراحی‌ها خودداری می‌کنند. البته برخی شرکت‌های بیمه، در مواردی مانند درمان سوختگی و رفع نواقص در اثر تصادف، برای برخی از بیمه‌شدگان که حق بیمه بالایی می‌پردازند، تسهیلاتی قائل می‌شوند. سازمان نظام پزشکی هم تنها به عمل‌هایی که پزشکان در ساعات خدمت دولتی‌شان در بیمارستان‌های دولتی انجام می‌دهند، نظارت دارد و تعرفه‌های خاصی را بسته به نوع عمل تعیین می‌کند اما هیچ دخالتی در تعیین تعرفه‌های خصوصی نمی‌کند زیرا آن را توافقی بین پزشک و بیمار می‌دانند.

قیمت‌های نسبتاً پایین برخی جراحان کم‌تجربه و تازه‌کار عده بسیاری از جویندگان زیبایی را که از نظر مالی چندان تأمین نیستند، تحریک می‌کند ریسک‌هایی برای زیبا شدن بکنند.

مهتا از جراحی زیبایی بینی تجربه تلخی دارد. از یک سال پیش که او با پرداخت ۲۰۰ هزار تومان بینی‌اش را عمل کرد، دوران سراسر افسردگی و انزوا شروع شد. مهتا پس از برداشته شدن گچ روی بینی‌اش، جلو آینه خشکش زد و چند دقیقه بعد اشک تمام صورتش را خیس کرد: «خیلی وحشتناک است که با هزار و یک آرزو و پس از هشت روز انتظار ببینی که وسط دماغت فرو رفته و غضروف‌های جلو دماغت به یک طرف منحرف شده است.»

خانواده مهتا خانواده مرفهی نیستند و برای پرداخت هزینه عمل کلی این در و آن در زده بودند. بنابراین نتیجه عمل جراحی واقعاً برایشان فاجعه بود. پس از گذشت یک سال، خانواده مهتا، که نمی‌توانستند انزوا و افسردگی شدید دخترشان را تحمل کنند، به پزشک دیگری مراجعه کردند تا جراحی ترمیمی روی صورت او انجام دهد. مادر مهتا می‌گوید: «یک سال بود که از خانه بیرون نمی‌آمد. از صبح تا شب جلو آینه می‌نشست و به صورتش نگاه می‌کرد و اشک



مریم فیاض که پس از عمل جراحی بینی فوت کرد

صورت حساب بیمارستان پرداخت شد. م. ر. ۴۱ ساله نیز ماجرای دیگری داشته. او طی شش سال پنج بار بینی‌اش را عمل کرده است و البته چند بار هم سرپایی عمل شده است؛ به توصیه یکی از دوستان به پزشکی مراجعه کردم. این پزشک متخصص گوش و حلق و بینی بود و پیش از این چربی‌های صورت یکی از دوستان را برداشته و لب شگری دخترش را عمل کرده بود که نتیجه عمل در هر دو نفر خوب بود. این بود که من هم تصمیم گرفتم دماغم را عمل کنم. بعد از اولین عمل، نسبتاً راضی بودم ولی خود پزشک گفت که می‌تواند بهتر از این کار کند و پیشنهاد کرد که بعد از رفع آثار جراحی اول، بدون پرداخت هزینه مجدد، دوباره عمل کنم. در عمل دوم، پزشک از قسمت غضروفی روی دماغم برداشت تا مثلاً دماغم باریک‌تر شود و این باعث شد که مجبور شوم عمل‌های بعدی را هم انجام دهم. حالا نتیجه این شده که نوک بینی‌ام ناقص است و لب‌هایم به بالا کشیده شده. این وضعیت ناچور باعث شده وقتی بیرون می‌روم روی بینی‌ام چسب بزنم. پس از آن پنج عمل هیچ‌کدام از پزشکان حاضر نشدند جراحی ترمیمی روی بینی‌ام انجام دهند چون فکر می‌کردند همه کاسه‌کوزه‌ها سر آنها می‌شکنند.

این زن ۴۱ ساله برای شکایت به پزشک قانونی و سازمان نظام پزشکی مراجعه کرد. می‌گوید: «چهار نفر دیگر نیز از این دکتر شکایت کرده بودند. یک نفر برای بالا کشیدن ابروهایش پیش دکتر رفته بود که پیشانی‌اش ناقص شده بود. یکی دیگر هم ارتفاع بینی‌اش نصف شده بود. یک نفر دیگر هم بود که دکتر به او گفته بود، چانه‌اش کج است اما پس از عمل بدتر شده بود. در نتیجه این شکایت‌ها قرار شد پنج سال مطب دکتر را ببندند ولی گویا مطبش هنوز باز است. من هم از پزشکی قانونی حدود سه میلیون تومان دیه گرفتم.»

یکی دیگر از غم‌انگیزترین حوادثی که اتفاق افتاد فوت دختر ۲۴ ساله‌ای به نام مریم فیاض بود. او که اصرار داشت پیش از مراسم ازدواج خود بینی‌اش را عمل کند، پس از عمل جراحی دچار مشکل تنفسی و افت فشار خون شد و سرانجام به علت مرگ مغزی درگذشت. خانواده، نامزد و اطرافیان او، از این پس، با شنیدن نام جراحی زیبایی بینی فاجعه‌ای را به یاد خواهند آورد.

در کنار همه خوبی‌ها یا بدی‌های جراحی پلاستیک، هنوز هم افرادی هستند که از داشتن بینی‌هایی با حجم و ابعادی استثنایی خوشحال و راضی‌اند. شاید مردی از کشور ترکیه که دو سال متوالی است در مسابقه جهانی درازترین بینی شرکت می‌کند و برای داشتن بینی‌ای به درازی نُه سانتی‌متر، جایزه این مسابقه را دریافت می‌کند، یکی از این افراد باشد.

مدتی که دخترعمویم در اتاق تنها بوده، این ترسحات راه تنفسی‌اش را می‌بندد طوری که سه دقیقه بدون هوا می‌ماند و وقتی پرستاران بالای سر او می‌رسند رنگ چهره‌اش کاملاً کبوده شده است. بعد بلافاصله تنفس مصنوعی و شوک قلبی می‌دهند که این تلاش‌ها هم حدود سه تا چهار دقیقه طول می‌کشد یعنی در مجموع حدود شش تا هفت دقیقه بدون هوا می‌ماند. گویا مغز نمی‌تواند بیش از چهار دقیقه بدون اکسیژن عمل کند. این بود که دخترعمویم دچار آسیب مغزی شد.

حالا هشت سال و نیم از حادثه‌ای که برای دخترعموی سایه افتاده می‌گذرد. او الان قادر نیست تکلم کند، توانایی انجام فعالیت‌های ارادی‌اش را ندارد و نمی‌تواند هیچ ارتباطی با دیگران برقرار کند. هیچ‌کس نمی‌داند او الان چه احساسی دارد و در وجودش چه می‌گذرد. برای تغذیه او، یک لوله ساکشن در گلویش است و یک لوله دیگری در روده‌اش. الان تا حدودی هوشیاری‌اش را به دست آورده و می‌تواند چشم‌هایش را باز کند و ببندد، و بخوابد و بیدار شود. گه گاه برای او نوار می‌گذارند و با او صحبت می‌کنند. اتفاقی در منزل مانند یکی از اتاق‌های بیمارستان برایش تدارک دیده شده و دو پرستار در سه شیفت از او نگهداری می‌کنند. خانواده‌اش هر ماه پول کلانی برای او خرج می‌کنند، مثلاً تشک‌های برقی تهیه کرده‌اند که با لرزنی که دارند از زخم شدن قسمت‌های مختلف بدنش جلوگیری می‌کنند. مدتی هم دست و پایش را آتل می‌بستند ولی، به‌رغم این کارها، دست‌ها و پاها فرم طبیعی خود را از دست داده‌اند و ماهیچه‌های بدنش تحلیل رفته‌اند. پزشکان نیز تقریباً از وی ناامید شده‌اند. خانواده‌اش هم می‌دانند که فایده‌ای ندارد ولی به هر حال نمی‌توانند جگرگوشه‌شان را رها کنند تا بمیرد. او اکنون تقریباً ۳۶ یا ۳۷ ساله است و زمانی که این اتفاق برایش افتاد ۲۸ سال داشت. البته با شکایت خانواده از بیمارستان، پرستاران، کادر اتاق عمل، پزشک جراح و پزشک متخصص بی‌هوشی، حدود ۱۲ میلیون خسارت به آنها داده شد ولی چون بیمار مدت زیادی در بیمارستان بستری بود، ۱۱ میلیون از این مبلغ بابت

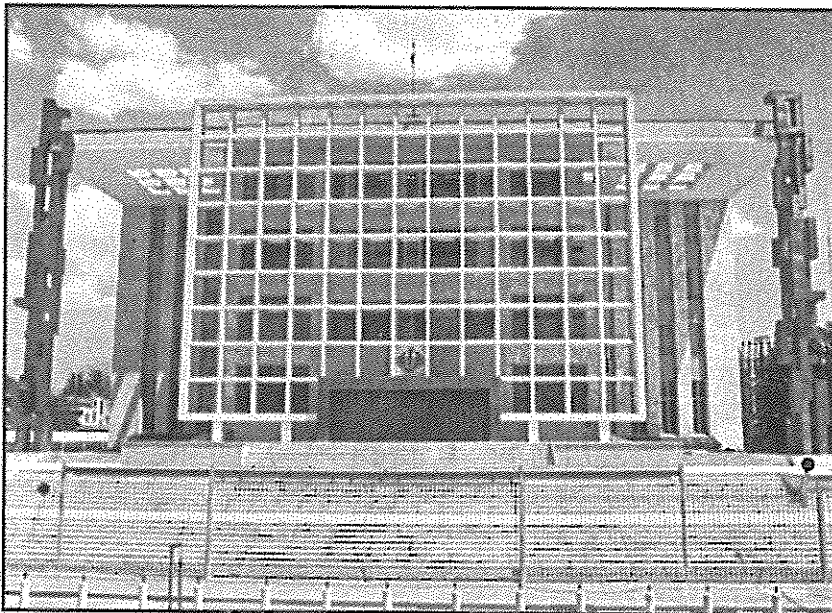
می‌ریخت. نمی‌توانستم ببینم که دخترم ذره ذره جلو چشمم آب می‌شود و از بین می‌رود. برای همین چند تا از فرش‌های خانه‌مان را فروختیم و پول قرض کردیم تا این بار او را پیش پزشک باتجربه‌تر و بهتری ببریم. وقتی می‌گویم: «چرا به نظام پزشکی شکایت نکردید؟» سری تکان می‌دهد و می‌گوید: «ای بابا! چه کسی به شکایت ما رسیدگی می‌کند؟ اگر هم شکایتی بکنیم، پزشک جراح و مسئولان بیمارستان با هم دست‌به‌یک می‌شوند و پرونده‌ها را گم و گور می‌کنند و تا ما بخواهیم حرف خودمان را ثابت کنیم، کلی طول می‌کشد.»

اما مسئولان نظام پزشکی تا امروز شکایت‌های زیادی از مراجعه‌کنندگان جراحان پلاستیک دریافت کرده‌اند و به ادعای آنها به تمام این شکایات رسیدگی شده است. به گفته این مسئولان، پس از دریافت شکایت بیمار، طبق آیین‌نامه رسیدگی به جرایم پزشکان، پرونده‌ای تشکیل می‌شود و پس از گذشت سه تا پنج ماه، در جلسه‌ای با حضور اعضای هیئت بدوی انتظامی، کارشناسان سازمان نظام پزشکی و پزشک و بیمار به شکایت رسیدگی می‌شود. پس از صدور حکم، هر یک از طرفین، پزشک یا بیمار، می‌تواند طی مدت ۱۰ روز اعتراض خود را به حکم صادره اعلام کند. بدین ترتیب پرونده به هیئت عالی ارجاع می‌شود و در نهایت پس از تشکیل جلسه‌ای با حضور کارشناسان و طرفین شکایت، رأی نهایی صادر می‌شود.

رسیدگی به این شکایت‌ها گاه مدت‌ها طول می‌کشد زیرا برای این منظور باید پرونده بالینی بیمار از بیمارستان دریافت شود که این گاهی چند ماه طول می‌کشد، و حتی گاهی اتفاق می‌افتد که پرونده بعضی بیماران مفقود می‌شود. سایه درباره آنچه در دی‌ماه سال ۷۰ بر سر دخترعمویش آمده است، می‌گوید: «وقتی دخترعمویم را از اتاق عمل بیرون آوردند، هیچ مشکلی وجود نداشت. اما در ساعت تغییر شیفت پرستارها برای مدت چهار پنج دقیقه در اتاق ریکاوری تنها می‌ماند. از آنجایی که پس از جراحی پلاستیک بینی، مقداری ترسحات به وجود می‌آید که باید دائماً از بینی خارج شود، در

# فراکسیون زنان لازم نیامد!

زهرا ابراهیمی



۹۹ قرار است هر ماه گزارشی از فعالیت زنان نماینده مجلس ششم ارائه دهیم. نخستین بخش گزارش، که مربوط به فعالیت زنان در اولین ماه افتتاح مجلس ششم بود، در شماره گذشته به چاپ رسید. گزارش این شماره را با خبر اضافه شدن یک زن نماینده دیگر به جمع زنان نماینده آغاز می‌کنیم. ۶۵

## ◀ تعداد زنان نماینده به ۱۱ نفر رسید

پس از این که شورای نگهبان انتخابات دشتستان را تأیید کرد، حمیده عدالت، که حائز اکثریت آرای مردم این حوزه شده بود، به مجلس راه یافت و تعداد زنان را به ۱۱ نفر رساند. وی که جزء نفرات آخری بود که به مجلس آمد تاکنون نتوانسته به عضویت یکی از کمیسیون‌ها درآید. البته خود وی طالب عضویت در کمیسیون کشاورزی است، تا قسمت وی چه باشد.

## ◀ وضعیت زنان در کمیسیون‌های تخصصی

پس از تصویب اعتبارنامه‌های نمایندگان، کار مجلس با تشکیل کمیسیون‌های تخصصی آغاز می‌شود. در جریان تقسیم نمایندگان در کمیسیون‌های تخصصی، جمیله کدیور و الهه کولایی، نمایندگان تهران، نتوانستند به عضویت کمیسیون مهم و پرطرفدار امنیت و سیاست خارجی درآیند. نزدیک به ۶۰ نفر از نمایندگان این کمیسیون را به عنوان انتخاب اول خود برگزیدند.

فاطمه راکعی، نماینده تهران، و اکرم مصوری‌منش، نماینده اصفهان، نیز عضو کمیسیون فرهنگی شدند و توانستند به عضویت هیئت‌رئیس این کمیسیون درآیند. این نخستین بار است که دوزن به هیئت‌رئیس یک کمیسیون راه می‌یابند. فاطمه راکعی نایب‌رئیس دوم و اکرم مصوری‌منش منشی اول شد. بقیه زنان نماینده نتوانستند در بسایر کمیسیون‌ها عضو هیئت‌رئیس شوند.

فاطمه حقیقت‌جو به عضویت کمیسیون آموزش و تحقیقات، وحیده علایی‌طالقانی و فاطمه خاتمی به عضویت کمیسیون بهداشت و درمان، طاهره رضازاده به عضویت کمیسیون انرژی، شهربانو امانی‌انگنه به عضویت کمیسیون برنامه و بودجه و سهیلا جلودارزاده به عضویت کمیسیون اجتماعی درآمدند.

در این دوره زنان نماینده از حضور در کمیسیون قضایی استقبال نکردند، هرچند بنا به

● فاطمه حقیقت‌جو: «لزومی ندارد فراکسیون زنان به وجود آید، زیرا در این صورت شاید خیال مردان راحت شود و دیگر خود را وارد دغدغه‌های مسائل زنان نکنند.»

● در این دوره زنان نماینده از حضور در کمیسیون قضایی استقبال نکردند، هرچند که حضور حداقل یک زن در این کمیسیون ضروری است.

وزارتخانه‌های دولتی (به‌ویژه وزارتخانه‌های پردرآمد و بااهمیت) ارتباط دارند با استقبال بیشتری مواجه می‌شوند زیرا یکی از مسائلی که در ذهن نمایندگان (به‌خصوص نمایندگان شهرستانی) وجود دارد، نحوه برقراری ارتباط با دستگاه‌های دولتی برای استفاده از امکانات و بودجه آن برای حل مشکلات عمرانی و اقتصادی حوزه‌های انتخابیه است، به همین دلیل نمایندگان تلاش می‌کنند در جایی قرار بگیرند که بتوانند امکانات بیشتری برای حوزه خود جذب کنند؛ این انگیزه برآمده از توقعات مردم و تلاش نماینده برای جلب رضایت آنها و تضمین راهیابی به مجلس آینده است. فقط نمایندگان تهران هستند که دغدغه مسائل اقتصادی و عمرانی حوزه خود را ندارند، در نتیجه این نمایندگان به کمیسیون‌هایی فکر می‌کنند که وضعیت شغلی و موقعیت اجتماعی آنان را ارتقا

اهمیت طرح مسائل حقوقی مربوط به زنان حضور حداقل یک زن در این کمیسیون ضروری است. البته نمایندگان باتجربه دوره‌های پیش به زنان نماینده تهران - که شش نفر هستند - پیشنهاد کرده بودند یک نفر از آنها عضو کمیسیون قضایی شود که هیچ‌کدام نپذیرفتند. ارائه این پیشنهاد به نمایندگان تهران به دلایل و انگیزه‌های نمایندگان برای عضویت در کمیسیون‌ها برمی‌گردد. برای پی بردن به این انگیزه‌ها لازم است به نحوه شکل‌گیری کمیسیون‌ها اشاره شود.

بر اساس آئین‌نامه داخلی مجلس، ملاک عضویت هر نماینده در کمیسیون‌های تخصصی داشتن تحصیلات در رشته مربوط و تجربه کاری است، اما همیشه این دو ملاک کاملاً عقلانی در برابر انگیزه‌های نمایندگان رنگ می‌بازد. معمولاً در همه دوره‌های مجلس کمیسیون‌هایی که با

ببخشد و به همین دلیل معمولاً کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مورد توجه آنها قرار می‌گیرد. اکثر نمایندگان تهران در حال حاضر عضو این کمیسیون و هیئت‌رئیس آن هستند (۹ نفر از ۲۷ نفر). نحوه پراکندگی نمایندگان تهران در سایر کمیسیون‌ها عبارت است از: کمیسیون «فرهنگی»، ۴ نفر، «برنامه و بودجه»، ۳ نفر، «اقتصادی»، «بهداشت»، «اجتماعی» و «انرژی»، هر کدام ۲ نفر، «صنایع و معادن»، «اصل»، ۹۰ نفر، «آموزش»، نیز هر کدام ۱ نفر.

کمیسیون‌های «قضایی» و «اصل»، ۹۰ نفر، از جمله کمیسیون‌هایی هستند که معمولاً اعضای آن را نمایندگان سرریز از سایر کمیسیون‌ها تشکیل می‌دهند. زیرا ارتباط با قوه قضاییه امکان حل مشکلات اقتصادی شهرستان‌ها را فراهم نمی‌آورد و کمیسیون «اصل»، ۹۰ نفر، نیز که بررسی شکایات را به عهده دارد به دلیل نیش‌های فراوان که (به اقتضای کار خود) به دستگاه‌های دولتی می‌زند همیشه مورد بی‌مهری و غضب این دستگاه‌ها قرار می‌گیرد. اگر انگیزه ناچیزی، به‌ویژه برای نمایندگانی که تجربه کار قضایی داشته‌اند، برای عضویت در کمیسیون «قضایی» وجود داشته باشد، برای عضویت در کمیسیون «اصل»، ۹۰ نفر، همان هم منتفی است.

با توجه به انگیزه‌های موج در شکل‌گیری کمیسیون‌ها، متوجه می‌شویم که چرا به زنان نماینده تهران پیشنهاد می‌شود به عضویت کمیسیون قضایی درآیند.

البته زنان نماینده تهران با توجه به ترکیب جدید مجلس ششم، که عمدتاً از نیروهای اصلاح‌طلب و موافق حقوق زنان است، معتقدند که لزومی ندارد زنی به عضویت کمیسیون قضایی درآید و یا فراکسیون زنان تشکیل شود.

### تشکیل فراکسیون زنان در پردهای از ابهام

در هفته اول تیرماه سه طرح در خصوص حقوق زنان تقدیم مجلس شد؛ طرح ممنوعیت نکاح دختران زیر ۱۴ سال جز با اجازه دادگاه، طرح تعیین بودجه برای انجمن ورزشی بانوان، و طرح رفع ممنوعیت اعزام دختران دانشجو به خارج از کشور.

هر چند که دو تن از زنان نماینده تلاش کردند تا این طرح‌ها را حاصل همکاری فراکسیون زنان در مجلس عنوان کنند ولی بی‌پاسخ ماندن پرسش‌های خبرنگاران در مورد زمان تشکیل این فراکسیون، و تعداد و اعضای هیئت‌رئیس آن نشان داد که در خصوص تشکیل این فراکسیون اتفاق نظر وجود ندارد.

فاطمه حقیقت‌جو، که از مخالفان تشکیل فراکسیون زنان است، می‌گوید: «همان‌طور که مردان به ما زنان رأی داده‌اند و ما وکیل آنها

هستیم، ما نیز به مردان رأی داده‌ایم و آنها وکیل ما نیز هستند. لذا با توجه به تشکیل

### متن مصوبه مجلس

#### طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی

ماده واحده - یک تبصره به شرح ذیل به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ الحاق گردید:

تبصره - عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوج با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد:

- ۱) ترک عمدی همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه بدون عذر موجه.
  - ۲) اعتیاد مضر به یکی از انواع مواد مخدر.
  - ۳) استنکاف از پرداخت نفقه و عدم امکان بر الزام او به تأدیبه.
  - ۴) ابتلاء زوج به امراض مسری صعب‌العلاج یا هر عارضه دیگری که دوام زناشویی، سلامت زوج را به خطر اندازد.
  - ۵) عقیم بودن زوج به نحوی که مانع اولاددار شدن زوج شود.
  - ۶) سوء رفتار و معاشرت زوج در حدی که عرفاً یا توجیه به اوضاع و احوال اجتماعی، اخلاقی، روحی و از نظر مکانی و زمانی برای زوج قابل تحمل نباشد.
  - ۷) اختیار همسر دیگر در صورت عدم استطاعت بر اجرای عدالت.
  - ۸) عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیت زوج باشد.
  - ۹) محکومیت قطعی زوج به حبس در اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زوج باشد.
- مصوبه فوق در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۱۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

فراکسیون‌های حزبی در داخل مجلس، من ترجیح می‌دهم اگر طرحی در مورد حقوق زنان دارم آن را به فراکسیون خود ببرم تا نظر نمایندگان اعم از زن و مرد نسبت به آن جلب شود، حتی می‌توانم این طرح را به سایر فراکسیون‌ها از جمله فراکسیون جناح راست ارائه کنم. دیگر لزومی ندارد که تشکلی برای حقوق زنان به‌وجود آید، زیرا در این صورت شاید خیال مردان راحت شود و دیگر خود را وارد دغدغه‌های مسائل زنان نکنند.

به نظر می‌آید زنانی که در دوره‌های پیش در مجلس حضور داشتند آمادگی فکری و ذهنی بیشتری برای تشکیل فراکسیون زنان جهت پیگیری حقوق آنان دارند. احتمالاً تجربه آنها در دوره‌هایی که اکثریت نمایندگان از جناح راست و مخالفان طرح مسائل زنان بودند باعث شده که در این دوره نیز تشکل زنان نماینده را پیگیری کنند درحالی‌که نمایندگان جدید چنین نیازی احساس نمی‌کنند.

تجربه دوره ششم مجلس نشان خواهد داد که آیا تشکل زنان نماینده تنها در مواقعی مفید است که اکثریت مجلس را مخالفان حقوق زنان تشکیل دهند، یا چنین تشکلی در مجلس ششم نیز ضروری است.

### شورای نگهبان مصوبه مجلس پنجم در مورد تعیین موارد عسر و حرج زنان را رد کرد

در هفته دوم تیرماه شورای نگهبان نظر خود را

در مورد طرح تعیین موارد عسر و حرج برای طلاق زنان به مجلس ارائه کرد.

جوابیه شورای نگهبان به این مصوبه چنین است:

۱) عناوین مذکور در طرح، خودبه‌خود مساوی با عسر و حرج نیست فلذا خلاف شرع شناخته شد.

۲) در صورت نیاز قضات دادگاه‌ها به شرح موارد عسر و حرج، قوه قضاییه می‌تواند با توجه و دقت شرعی مواردی را تعیین و برای تصویب، ضمن لایحه‌ای به مجلس تسلیم دارد.

جوابیه کوتاه شورای نگهبان به مصوبه مجلس پنجم حاوی نکات جدیدی بود. در دوره‌های گذشته مجلس، شورای نگهبان معمولاً مصوبه‌های مجلس در مورد حقوق زنان را به‌طور کامل رد نمی‌کرد بلکه بخش‌هایی را تأیید می‌کرد و به بخش‌هایی ایراد می‌گرفت، درحالی‌که طرح تعیین موارد عسر و حرج را به‌طور کامل خلاف شرع دانسته است.

نکته دیگر این‌که، بر اساس قانون، وظیفه شورای نگهبان فقط اظهار نظر درباره مغایرت و یا عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی است. ولی این شورا در قسمت دوم جوابیه خود با نفی حق قانونگذاری مجلس، به‌طور ضمنی، آورده است که اگر قرار است قانونی برای موارد عسر و حرج تهیه شود قوه قضاییه به تهیه لایحه با استفاده از نظر قضات اقدام کند. درحالی‌که نمایندگان مجلس نیز حق دارند هر طرحی را با امضای حداقل ۱۵ نماینده به مجلس تقدیم کنند و خواستار تصویب آن شوند. ■

# دریغ از یک خسته نباشید!

## نخستین صعود برون مرزی زنان کوهنورد ایران

زهره خوش‌نمک

۳۹ وقتی برای نخستین بار در تاریخ کشورمان تیم زنان کوهنورد عزم کرد به قله ۶۶۵۴ متری مراپیک و قله ۵۵۵۰ متری کالاباتار نیال (هیمالیا) صعود کند، بسیاری باور نداشتند که از این تیم هفت نفره، شش نفر بتوانند به دوتا از بلندترین قله‌های جهان صعود کنند و با سرفرازی به کشور بازگردند. هر که نصیب آنان از این همه بریز و بپاش‌های مسئولان در رشته‌های مختلف ورزشی تنها حضور چند تن از مسئولان ورزش بانوان کشور در فرودگاه مهرآباد بود و حلقه‌ای گل و دیگر هیچ؛ نه تجلیلی، نه تشویقی و... هر چند که آنان از این همه هیچ نخواستند جز خسته‌نباشیدی که این نیز از آنها دریغ شد. ۶۶

صدیقه مقدم از زنجان، یوراندخت بوذری از رودبارک مازندران، فرخنده صادق، زهرا تاجیک و لیلا بهرامی از تهران و فاطمه بطحایی از آمل، به سرپرستی ظریفه رحیم‌زاده، ساعت شش صبح شنبه ۱۳ فروردین به سوی بحرین و از آنجا به ابوظبی و سپس کاتماندو پرواز کردند. تیم مردان، در همین جا، برای فتح قله‌ای دیگر از تیم زنان جدا شد.

تیم زنان، ساعت ۱۹ و ۳۵ دقیقه، با استقبال گروه نماینده فدراسیون کوهنوردی، مستقر در کاتماندو و کمپانی تام‌سرکو، به شهر کاتماندو وارد شد و در مراسم شامی که فدراسیون به افتخار ورود این زنان کوهنورد ترتیب داده بود شرکت کرد. روز بعد سرپرست گروه برای انجام امور اداری و بررسی وسایل تخصصی کوهنوردی به کمپانی رفت، همان شب اعضای تیم برای آشنایی با کوه‌های نیال اسلایدی را در کمپانی تام‌سرکو تماشا کردند. روز دوشنبه، ۱۵ فروردین، زنان کوهنورد بعد از بدرقه تیم مردان به همراه راهنما از معابد کاتماندو (پاسوپاتی و مایک‌تمیل) اعزام شدند. همان شب همه وسایل خود را بسته‌بندی کردند و برای ارسال به لوکار به کمپانی تحویل دادند.

روز بعد، افراد تیم، پس از شرکت در مراسم دعایی که کمپانی برای سلامتی آنها برگزار کرده بود، با هواپیما به سمت شهر لوکار حرکت کردند و از ساعت هفت صبح روز چهارشنبه برنامه کوهنوردی از کوکوبو آغاز شد؛ اولین تجربه زنان در هیمالیا، صعودی برهیجان و پر از تجربه برای آنانی که برای گشودن هیمالیا به روی هم‌جنسان خود پیشتر شدند. ظریفه رحیم‌زاده ۳۲ سال بیشتر ندارد و سرپرست تیم است؛ ۱۸ سالگی است که کوهنوردی می‌کند. تقریباً به همه قله‌های معروف کشور صعود کرده‌ام، می‌گوید: «از دو سال قبل انجمن کوهنوردی بانوان در فکر اجرای چنین برنامه‌ای بود اما اواخر سال ۷۸ با آن موافقت شد. سه سال صعود تیم منتخب استان‌ها به قله دماوند در شهریورماه ۱۳۷۸ به مناسبت یکصدمین سال تولد امام خمینی، دو

دوره تست آمادگی جسمانی، یک دوره تست کوهستان و صعود بین‌المللی زمستانی قله دماوند در بهمن‌ماه سال گذشته انجام شد و پس از آن انجمن شش نفر از بانوان کوهنورد کشور را برای صعود به قله هیمالیا انتخاب کرد. در صعود زمستانی کوهنوردان کشورهای منتخب، مردان هم حضور داشتند و زنان خوب عمل کردند.

رحیم‌زاده در دفتر کار خود، که همکارانش مشغول انجام وظایف خود هستند، با نشان دادن عکس‌ها، خاطرات ۲۲ روز صعود در کوه‌های هیمالیا را، که آرزوی هر کوهنورد حرفه‌ای است، مرور می‌کند: «تیم با هم هماهنگ بود، به‌رغم این‌که همه افراد از گروه‌ها و شهرستان‌های مختلف آمده بودند اما خیلی زود با هم خو گرفتند. می‌دانید ۲۳ روز در منطقه بودن در شرایط بسیار سخت گرما و سرما کار مشکلی است و خیلی‌ها حتی در هتل‌های پنج‌ستاره نمی‌توانند با هم کنار بیایند اما خوشبختانه تیم ما این مشکل را نداشت و در برگشت همه دوست‌های خوبی برای هم شدند.»

از مشکلات می‌پرسم، می‌گوید: «وسایل کم داشتیم. تجهیزات برای هیمالیا باید کامل باشد؛ دو سه نوع کفش فایبرگلاس برای یخبندان، که تنها یک جفت آن ۱۷۰ هزار تومان قیمت دارد، لباس‌های مختلف شامل پلار، کرتکس، و... البته، در تهیه بعضی از وسایل مثل کت پر و لباس و کیسه خواب، انجمن کمک کرد، فدراسیون هم کاپشن کورتکس را که خیلی گران است تهیه کرد. مقداری از وسایل را هم بچه‌ها از هر جا که توانستند به امانت گرفتند تا توانستیم به قله‌های مراپیک و کالاباتار صعود و از بیس‌کمپ و های‌کمپ اورست در ارتفاع ۵۳۰۰ متری بازدید کنیم. کوهنوردان به مشکلات عادت دارند ولی خوب است بدانید از تیم نه نفری مردان فرانسه که با ما هم‌با بودند و برنامه اطراق و کمپشان مانند ما بود فقط دو نفر توانستند به قله صعود کنند. تیم زاین در های‌کمپ، کمپ زده بود و یک هفته ماند و صعود نکرد.»

روز ۱۸ فروردین دو نفر از افراد به دلیل

شرایط نامناسب بهداشتی محل و تغذیه نادرست بیمار شدند و با همین وضع تیم از بانگونما به سمت کمپ بعد درکاریکا حرکت کرد. فاطمه بطحایی، عضو دیگر تیم، می‌گوید: «به دلیل طولانی بودن صعود و این‌که آلودگی در نیال زیاد است و نیز به علت این‌که غذاهای آنجا با مزاج کوهنوردان سازگار نیست، اغلب تیم‌ها دچار بیماری‌های دستگاه گوارشی می‌شوند. دو نفر از بچه‌های ما دل‌پیچه شدند اما خوشبختانه با مشکل جدی روبه‌رو نشدیم و توانستیم به راه خود ادامه دهیم. مشکل ارتفاع‌زدگی هم نداشتیم و سعی می‌کردیم از برنامه هم جلو بزنیم. به همین دلیل برنامه دوروزه را یک‌روزه اجرا کردیم و با وجود آن‌که باید ذره ذره ارتفاع را زیاد کرد ما یک‌دفعه ۹۰۰ متر ارتفاع را زیاد کردیم و همین موجب شد که بتوانیم روز دهم قله را فتح کنیم.»

رحیم‌زاده اضافه می‌کند: «غذای اصلی ما سیب‌زمینی نیم‌پز و کم‌چخته بود. وضعیت غذایی نامطلوب بود و این مشکل از آنجاست می‌سد که آب برای جوش زمان زیادی لازم دارد. یک روز یکی از بچه‌ها تصمیم گرفت برنج بپزد، اما چهار ساعت طول کشید تا آماده شود و در نهایت هم قابل خوردن نبود.»

جمعه ۱۹ فروردین حرکت روی یالی انجام شد که تیم در میانه آن اطراق کرده بود. افراد از مسیری با شیب تند به طرف بالا حرکت کردند و از گردنه‌ای به ارتفاع ۴۴۵۰ متر که باید به صورت تراورس طی می‌شد عبور کردند و بعد به طرف پایین گردنه مسیرشان را ادامه دادند. روز بعد، تیم باید از جنگل عبور می‌کرد که پس از پیمودن مسیری شیب‌دار و حزه‌پوش و لغزنده در سنگ‌آونگما به ارتفاع ۳۶۵۰ متر توقف کرد.

روز یکشنبه حرکت در امتداد رودخانه‌ای با سنگ‌های ریزشی خطرناک شروع شد. رحیم‌زاده می‌گوید: «گذشتن از این مسیر یک ساعت و نیم طول کشید. چندین بار دیواره‌های خاک رس ریزش کرد. سال گذشته شش نفر از گروه کوهنوردی آمریکا در همین جا دچار حادثه شده بودند که یک نفرشان جان باخته بود، ما این را بعداً فهمیدیم.»

رحیم‌زاده اضافه می‌کند: «شکاف‌های عرضی با وجود این‌که عریض نبودند دیدستان باعث وحشت می‌شد. شش هفت روز روی یخ حرکت کردن و خوردن و خوابیدن، بدون آب و غذای مناسب، خیلی مشکل بود. خطر در گردنه



آسفور لاپسا بیشتر بود. موقع پایین آمدن از گردنه، وسایل دو تا از باربرها که شامل دو چادر بزرگ و دو کیسه بار بزرگ بود ته دره سقوط کرد که یکی از چادرها پیدا نشد. با این همه ما از برنامه جلو بودیم و بعد از بازدید از بیس کمپ مستقیم به سوی های کمپ حرکت کردیم یعنی برنامه دوروزه را یک روز اجرا کردیم.

از روز یکشنبه ابرهای تیره آسمان کوهستان را فرا گرفت و از آن به بعد همه روزه و بعضی از شبها بارش برف و بوران ادامه داشت، به طوری که افراد زیادی از یک تیم فرانسوی به دلیل این که هوا مناسب نبود و برف شدیدی می بارید، از صعود منصرف شدند و به پایین برگشتند. وجود یخچال های طبیعی (مدرن) با شیب تند و هوای سرد حرکت را مشکل کرده بود، اما با کمک کدامپون و کلنگ، شیب بسیار تند نهایی هم طی شد و گروه رأس ساعت ۱۰ و ۲۰ دقیقه پنج تنبه، ۲۵ فروردین، به قله رسید. پس از برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی همه با هم اشک شوق ریختند و سرود ملی ایران را سردادند.

رحیم زاده می گوید: «این صعود نشان داد که زنان می توانند. در اولین صعود سراسری دماوند که در سال ۷۳ برگزار شد و ۱۵۰۰ نفر شرکت داشتند ۹۹ درصد کادر ستادی برنامه مخالف صعود بانوان از یک جبهه دماوند بودند و معتقد بودند زنان نمی توانند از عهده آن برآیند اما زنان از جبهه جنوب غربی که طولانی تر و مشکل تر از جبهه جنوبی است صعود کردند و مشکل خاصی هم پیش نیامد. در سال های بعد صعودهای سراسری در تمام استان ها انجام شد. قبل از اعزام تیم به هیمالیا نیز عددهای مخالف بودند و حتی شنیدیم که گفته بودند برای چه خانم ها، اما وقتی صعود انجام شد همان ها اظهار خوشحالی کردند».

#### ● تیم مردان موفق شد صعود کند؟

○ آنها برای صعود به قله ۶۰۰۰ متری چولاپو و قله شیشابانگی رفتند که بعد از بازگشت شنیدم هفت نفر از نه نفر موفق شدند. آنها متشوق خوبی برای ما بودند. وقت رفتن مدام به ما تاکید می کردند که حتماً صعود کنیم. وقتی از تهران به آنها اعلام کردند که موفق شده ایم گفتند نیروی مضاعف برای صعود پیدا کردند.

#### ● نمی ترسید از این که نتوانید صعود کنید؟

○ برنامه ما این بود که در هر صورت صعود کنیم. حدود ۸۰ درصد امکان موفقیت بود. اما ترس همیشه هست. تا به حال چندین بار به دماوند صعود کرده ایم اما اگر باز هم برویم باز هم می ترسیم. اگر توجه کرده باشید اغلب افراد کوهنوردی که جانشان را از دست می دهند موقع برگشت این اتفاق برایشان می افتد و روحیه بسیاری از آنها در زمان برگشت قابل توصیف با رفت نیست. اما در هر صورت اگر به مشکلی برمی خوردیم اجازه صعود نمی دادیم، این را قبلاً

## ● قبلاً در شهرستان کوله پشتی ام را در ساک می گذاشتم که مردم نبینند. اما حالا همه با افتخار با من صحبت می کنند.

به اعضای تیم گفته بودیم.

#### ● وضعیت جسمانی بچه ها چه طور بود؟

○ همه در وضعیت مناسبی بودند. قبلاً به استان ها اعلام کرده بودیم که افراد تمرین های روزانه شان را انجام دهند. از نظر روحی هم شرایط خوبی بر تیم حاکم بود. تسی که قرار بود فردای آن صعود به قله انجام شود. با توجه به این که مصادف بود با ایام محرم، مراسم دعا و زیارت عاشورا انجام شد.

#### ● چه قدر برای رفتن به هیمالیا هیجان داشتید؟

○ دیدن قله های زیبای هیمالیا آرزوی هر کوهنوردی است. گردنه آسفور لاپسا بسیار زیباست و کوه های هیمالیا متفاوت از همه کوه های دیاست. کوه های زیادی در کشور ما هست اما، به علت فرسودگی، به غیر از کوه های کرمان و علم کوه، تسیب آنها کم است. اما وقتی در دره های هیمالیا حرکت می کردی، هر چه بالا را نگاه می کردی ارتفاع بود. در لحظه صعود همه بچه ها از شدت خوشحالی گریه می کردند.

#### ● برخورد کوهنوردان خارجی با شما چه طور بود؟

○ در آنجا آمد و رفت زیاد است. هنگام صعود با تیمی از فرانسه که در حال بازگشت بود برخورد کردیم. اعضای تیم متعجب شده بودند، فکر نمی کردند زنان ایرانی با این لباس های بلند کوهنوردی کنند. خانمی از امریکا آمده بود به قله کالاپاتار صعود کند، وقتی گفتیم ۱۷ روز است راه می آییم تعجب کرد زیرا او تنها قرار بود به یک قله صعود کند.

نوع برخورد توریست ها، امنیتی که در آنجا حاکم بود و محبت کوهنوردان نوحه بچه ها را

حلت کرده بود.

بچه های نیم از روحیه شاه مسن برین فرد تسیم، پوراندخت بوذری، می گفتند! ۴۳ ساله است، خانه دار و بیجه گلاردست که حالا همراه همسر و فرزندانش در رودبارک زندگی می کند. بوذری گفت: «کوه زیر پایم است، به همین دلیل ۲۰ سال است به همراه خانواده کوهنوردی می کنم و به بیشتر قله های کشور صعود کرده ام. دختر کوچکم در نه سالگی همراه ما به ضلع غربی دماوند صعود کرد و دختر بزرگ ترم در ۱۲ سالگی در صعود بزرگ سراسری شرکت کرد. همسرم بهترین متشوق بود. قبلاً در شهرستان ما کوهنوردی زنان خیلی جا نیفتاده بود و ما مخفیانه به کوه می رفتیم. همه می گفتند مگر زن هم به کوه می رود. همین دفعه که برای صعود سراسری به الوند دعوت شدم، کوله پشتی ام را در ساک گذاشتم که مردم نبینند. اما حالا این موضوع برای مردم جا افتاده است و با افتخار با من صحبت می کنند»

#### ● مشکل جسمی نداشتید؟

○ نه. ۴۰ تا ۵۰ روز، روزی ۵ کیلومتر می دویدم، علاوه بر آن ورزش های خاصی را هم انجام می دادم. آن قدر کوهنوردی را دوست دارم که از هر مشکلی به راحتی می گذرم و در صعودها شرکت می کنم مگر این که اتفاقاتی غیرمنتظره سر راهم سبز شود. سختی کوه را دوست دارم.

● به این موضوع فکر کرده بودید که شاید نتوانید به مرا یک صعود کنید؟

○ امکانش کم بود. چون من بدون راهنما به همه قله های کشور مثل سیاه سنگ و علم کوه همراه با همسر و فرزندانم صعود کرده ام و مشکلی



## ● بعداً فهمیدیم که سال گذشته شش نفر از گروه کوهنوردی آمریکا در همین جا دچار حادثه شده بودند و یک نفر هم جان باخته بود.

### ● وقتی قله‌های بلندتر را می‌بینی، قله‌ای که از آن صعود کرده‌ای به نظرت کوچک می‌آید.

نداشته‌ام. هر وقت روی قله می‌روم، آرزو می‌کنم بتوانم این کار را ادامه بدهم. برای همین سعی کرده‌ام همه مشکلات را به نوعی حل کنم. ورزش کوهنوردی ورزش پرخرجی است، اما خیاطی می‌کنم تا هزینه‌هایش را بپردازم.

● روی قله که بودید چه حسی داشتید؟  
 دل‌م می‌خواست خانواده‌ام هم همراهم بودند. اما وقتی قله‌های بلندتر را می‌بینی قله‌ای که از آن صعود کرده‌ای به نظرت کوچک می‌آید. امیدوارم باز هم بتوانم به این قله صعود کنم و اگر نتوانستم کسانی که آرزوی آن را دارند به آرزویشان برسند.

صدیقه مقدم را در زنجان پیدا کردیم. مسئول هیئت کوهنوردی زنجان است. او ۳۰ سال دارد و از سال ۷۴، یعنی زمان دانشجویی، کوهنوردی حرفه‌ای را آغاز کرده است. مقدم تعریف می‌کند: «در صعود سراسری دماوند شرکت داشتم اما اطلاعاتی از برنامه‌های همپایا نداشتم. برای این صعود سه نفر انتخاب شدیم. از ما خواستند در دماوند مسیر جدیدی را که کسی تا به حال از آن صعود نکرده بود باز کنیم. در همین برنامه برای صعود به همپایا انتخاب شدم. در صعود زمستانی هم که سخت‌تر از صعود دماوند بود، علاوه بر قدرت بدنی، از نظر تکنیک فنی هم تست شدیم. در اسفندماه به ما گفتند خودمان را برای صعود به همپایا آماده کنیم. ابتدا فکر می‌کردم خیلی مشکل باشد. ما همپایا را تنها در فیلم‌ها دیده بودیم. قبل از صعود یکی از قانتان اورست (آقای نجاریان) گفت: «نگران نباشید، شما یک سر و گردن از کوهنوردان اروپایی بالاترید.» و این مرا دلگرم کرد.

● تیم مردان ایرانی تا به حال به این قله‌ها صعود کرده است؟  
 ○ نه. ۲۰ سال قبل، ۲۰ نفر برای صعود به اورست رفتند که چهار نفرشان موفق شدند. ولی به مراپیک صعود نکرده‌اند.

● خانواده مخالفتی نداشت؟ نگران نبود؟  
 ○ خوب نگرانی بود. همه فکر می‌کردند در آنجا کوهنوردان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند اما مخالفتی نکردند. این آرزوی من بود. در طول مسیر فقط صعود جلو چشمان بود. به مرگ فکر نمی‌کردیم. علاوه بر این، ما دوره‌های فنی را نیز گذرانده بودیم؛ یخ‌نوردی، برف‌نوردی و سنگ‌نوردی. روحیهٔ بچه‌ها هم بالا بود و این به ما اعتمادبه‌نفس می‌داد. راهنمایی هم که از نپال

برایمان انتخاب شده بود در این مورد مؤثر بود. دو نفر آقا از منتخان فدراسیون، ۲۰ نفر باربر، یک آشپز، کمک‌آشپز و... ما را در مسیر همراهی می‌کردند.

● از موارد جالبی که در طول صعود دیدید بگویید.

○ پهداشت منطقه نظر ما را جلب کرد. در مسیر به آن شلوغی که کوهنوردان از کشورهای مختلف مرتب در آن تردد می‌کنند، به‌خصوص در کمپ اصلی اورست، اثری از زباله نبود. نه تنها مسئولان نپال، بلکه همه کوهنوردان نظافت منطقه را رعایت می‌کنند. مورد دیگر امنیت منطقه بود. دختر ۱۶ ساله‌ای از کالیفرنیا به تنهایی به کمپ اورست آمده بود، حتی می‌شد به‌تنهایی به کمپ بالاتر هم رفت. گروه‌های کوچک جوانان ۱۹، ۲۰ ساله و سالمندان در مسیرهای ساده راهپیمایی می‌کردند.

عقاید و افکار بودایی‌ها برایمان جالب بود. معابدی در مسیر بودند که مردم نذورات خود را در آنها می‌انداختند، آنها قفل و کلیدی نداشتند ولی هیچ‌کس به نذورات دست نمی‌زد. همه عقاید محکمی داشتند، کسی دروغ نمی‌گفت. در ارتفاع بالای ۴۰۰۰ متر، مردم معتقد بودند که نباید حیوانات را اذیت کرد. کبک و پرنده‌های دیگر خیلی زیاد بود اما کسی حق نداشت آنها را شکار کند.

● برخورد کوهنوردی‌های خارجی با شما چگونه بود؟

○ ابتدا تعجب می‌کردند که ایران یک تیم زنان فرستاده است. به علت تبلیغات سوئی که شده بود، فکر می‌کردند ایرانی مثل طالبان است اما بعد می‌آمدند با ما صحبت می‌کردند و اطلاعات می‌گرفتند. این صعود برای پیشرفت زنان کوهنورد ایرانی و استفاده از تجربه‌های خارجی‌ها بسیار مفید بود.

● کوهنوردی چه تأثیری روی شخصیت شما داشته است؟

○ در ایجاد اعتمادبه‌نفس تأثیر صددرصد دارد. حس استقلال، اتکابه‌نفس، همکاری، ایثار برای هم‌نورد و... در زندگی اجتماعی، روابط شخصی و... تأثیرات مثبتی می‌گذارد. زنان می‌توانند در هر استانی به هیئت کوهنوردی زنان مراجعه کنند. هزینهٔ کوهنوردی بالاست اما من شخصاً به علت علاقه‌ای که دارم از هزینه‌های دیگرم می‌زنم تا بتوانم وسایل کوهنوردی را تهیه کنم.

● روی قله که بودید چه احساسی داشتید؟  
 ○ آن بالا حس می‌کنی از تمام تعلقات مادی جدا شده‌ای. محو طبیعت بودم و همهٔ درگیری‌های کار و زندگی اجتماعی و ماشینی و صنعتی را فراموش کرده بودم. حس پرواز داشتم. با وجود خستگی جسمی فکر می‌کردم فقط یک روحم و اگر بال بزنم ممکن است به اوج بروم. باید تجربه کنید.

بطحایی هم از لحظهٔ فتح قله می‌گوید: «احساس بچه‌ها در آن لحظه رقیق‌تر بود اما من حس می‌کردم مسئولیت بزرگی در برابر همهٔ زنان کوهنوردی دارم که این راه را برایشان باز می‌کردیم. پیش از این در این راه قدمی برداشته نشده بود و حالا یک قدم برداشته شده است. در طول صعود می‌گفتم هرطور شده باید دو نفر صعود کنند. مشکلات مالی و کمبود بودجه تأثیر بسیاری بدی بر ورزش زنان ما گذاشته است. زنان فدراسیون ورزشی ندارند، انجمن دارند؛ مثلاً انجمن ژیمناستیک زنان فقط یک میز کوچک در مقابل فدراسیون ژیمناستیک مردان دارد. به همین نسبت هم بودجه کم است. محیط برای ورزش زنان مهیا نیست و مهم‌تر از همه این‌که خود زنان تلاش نمی‌کنند از این مشکلات بگذرند. همه کسانی که همپایا به نظرشان خیلی بزرگ می‌آمده حالا آن را قابل دسترس‌تر می‌دانند. بچه‌های مدرسه‌ای که من در آن تدریس می‌کنم در هیئت کوهنوردی بانوان ثبت‌نام کرده‌اند، این تأثیر قدمی است که برداشته شده است. اما مسئولان ورزشی کشور هیچ تشویقی نکردند. انگار که ما این صعود را شخصی انجام داده بودیم. فقط در فرودگاه به گردنمان گل انداختند و فیلمی گرفتند.

تیم پس از عبور از دره و برف و بوران و یخ‌های سبز و آبی که سخت‌ترین نوع یخ بود ساعت ۹ صبح ۲۹ فروردین به بالای گردنهٔ زیبای آمفوراپسا در ارتفاع ۵۷۷۰ متری رسید. و روز بعد از دینگ‌بوچه در ارتفاع ۴۳۵۰ متری اولین تماس تلفنی خود را با ایران برقرار کرد. روز جمعه، دوم اردیبهشت، در بیس‌کمپ اورست، با بلندترین قلهٔ جهان، که صعود به آن آرزوی هر کوهنوردی است، دیدار کرد و روز بعد به سمت قلهٔ کالاپاتار در ۵۵۵۰ متری صعود کرد. گروه روز یکشنبه از مسیر جنگلی با شیب زیاد عبور کرد و سپس به سمت نامچه‌بازار - دهکده‌ای کوچک که برق و تلفن دارد - مسیرش را ادامه داد. و بعد بازگشت. روز سه‌شنبه، ۱۳ اردیبهشت، تیم با افتخار از صعود به قلهٔ ۶۶۵۴ متری مراپیک و قلهٔ ۵۵۵۰ متری کالاپاتار، در فرودگاه مهرآباد بود.

رحیم‌زاده یادآوری می‌کند که هفتم و هشتم مرداد صعود سراسری دماوند انجام می‌شود تا از میان صعودکنندگان، افرادی برای صعود به قلهٔ سبلان انتخاب شوند. به این ترتیب در صعودهای سخت‌تر بعدی تیم بعدی برای صعود به قله‌های برون‌مرزی تشکیل می‌شود. ■